

حقیقت

شماره ۵۱۵ ۴ دی ۱۳۵۸

در این شماره

۲۵	صفحه	چا ودان با دخا طره ستوان شهید بهروز بهروزنیا
۲۵	صفحه	نما بندگان دولت در مذاکرات کردستان
۲۵	صفحه	مشت چا سوسان "سیا" را با زکنت پند
۲۵	صفحه	دست عمال امپریالیسم زما همدین خلق کوتاه
۱۱	صفحه	در کا رخا نه کفش وین چه گذشت
۱۱	صفحه	مبارزات کسار کوری
۹	صفحه	با توطئه های جدید خوا نین فارس آشنا شوید
۹	صفحه	مبارزات دهقانی

باید همچنان بر بازپس گرفتن شاه مخلوع و فراری پافشاری و هرگونه سازش با امپریالیسم آمریکا را محکوم ساخت

دولت آمریکا با فرار دادن "گروگانهای" آمریکایی و گشایش شاه مخلوع به پاناما تنها راه درروئی دوا را چه سوسخا نه آمریکا در تهران برای خود یافتن و زگردن نهادن سه خواست برحق ملت ایران ظفره می زود، زما مداران پاناما به محمدرفای خاقن پنا هدا دندتا بغیال خودشان کارتروسا پیرا ربایان خسودرا در واشنگتن از تبرس خشم مردم ما و رها بندوسیری برای آنها شوند. حاکم دست نشاندگان پاناما پس از تحویل گرفتن شاه خاقن اظهار داشت که امیدوار است اکنون شرایط آزادی

زمن و صلح و مسالمتی با دشمن حیل - گروغدا رخودرا ندهند، امپریالیسم جنایتکار آمریکا هیچ نداد است و چیزی هم طلبکار شده است. آمریکا تنها پنا هگا شاه مخلوع را تغییر داده و اکنون در پاناما خود در پاناما از وی نگهداری میکند. تلقینات مسموم برخی

نبرد ضد امپریالیستی و ضروریات آن

تسلیح مردم است، مردمی که اتحاد بولادینی در برابر دشمن بزرگ خود بوجود آورده، با اتکاء به اتحاد مقوف خود موضع قاطع و خصمانه ای در برابر دشمن مشترک خود اتخاذ کنند و حاضره برگرفتن سلاح و جنگ برای آزادی خود

تحلیلی کوتاه از سیاست

فعلی امپریالیسم آمریکا

پیرو و تسخیر سوسخا نه آمریکا در تهران

اساسی ترین عامل برای پیروزی مردم در نبرد بزرگ ضد امپریالیستی کنونی اتحاد مردم است، اتحادی که بر پایه منافع مشترک آنها در هاشی از یوغ اسارت امپریالیسم ایجاد شده و آگاهانه و رزمجویانه است. دوم تجهیز و آماجگی و مشخصا

مرحله حساس مبارزه ضد امپریالیستی

یک ماه و نیم پس از اشغال چا سوسخا نه امپریالیسم آمریکا در ایران توسط دانشجویان مبارزه شاه مخلوع به دستور اربابان آمریکا اش از خاک ایالات متحده به گوشه ای دیگر، یعنی پاناما، پنا ه برد. دولت سرسپرده پاناما، که در سرپرستی به امپریالیسم آمریکا دست کسی از رژیم شاه مخلوع ندارد، در این اوضاع به دستور اربابان کاخ سفید نشین خود، به نوکری مخلوع پنا ه داد تا کمکی به امپریالیسم آمریکا در راه نسی از مخمما ی که بدست ملت ایران آورده شده است، کرده باشد. این حرکت از طرف امپریالیسم آمریکا، یعنی فرستان شاه مخلوع به پاناما، تا از طرف شورای انقلاب "پیروزی" برای ملت ایران اعلام گردید. شورای انقلاب در اطلاعیه ای که به همین مناسبت انتشار داد اعلام کرده است که: "مقاومت دلیرانه ملت رزمنده و مسلماً ایران در برابر برتجارات امپریالیسم آمریکا و رهبری مدبرانه امامت دولت آمریکا را وادار به عقب نشینی کرده تا آنجا که از حمایت خود نسبت به شاه مخلوع کاست و با تن دادن به شکست او را وادار به فرار کرد" (کیهان ۲۶ آذر). قطب زده در این مورد چنین اظهار کرد: "... رفتن شاه مخلوع از آمریکا به پاناما یک نوع عقب نشینی سیاسی آمریکا است و در حقیقت ما به یکی از پیروزیهای بزرگ این حرکت تاریخی رسیده ایم" (کیهان ۲۶ آذر - تاکیدها از ما است)

تحلیل مفصل و همه جانبه از سیاست امپریالیسم آمریکا مستلزم مقالات و بررسی های مفصلی است که از عهده این مقاله خارج است. ولیکن اشارات مختصری به تحولات سیاسی و مسیر کلی ای که امپریالیسم آمریکا در طی دوره اخیر طی کرده است، حاوی نکات و تجارسی است که میتوان و باید بدانان برخورد نمود. ملاحظات زیر - اگرچه نا کافی - بهر حال فقط آغازی است برای این موضوع مهم. هدف، زاین بررسی بطور خلاصه بقیه در صفحه ۲

ولی آیا ملت ایران به یکی از پیروزیهای بزرگ این

حقیقت

تحلیلی کوتاه ...

اینست که نتوانیم تضادهای مقابله‌ای امیریا لیسیم آمریکا و ضربات ناشی از مبارزه دلارانه خلق ما بر علیه آن را بررسی کنیم و بتوانیم نشان دهیم که روند عمومی سیاست امیریا لیسیم آمریکا بکدام سو می‌باشد. ناگفته نماند که با برخی از مشکلات تحلیلی و تحقیقی مواجه هستیم. نا روشن بودن، ضدونقیض بودن سیاست شورای انقلاب و دولت جمهوری اسلامی یکی از این مشکلات است؛ که بنوبه خود عکس العمل‌های متناقض مقامات آمریکا را بدینال دارد. البته با زهمنا گفته نماند که این "نا روشنی" و "ضدونقیض" کوئی مقامات ایرانی، خود نتیجه برخورد سیاست‌شکارانه ضد انقلابی شورای انقلاب که می‌خواهد سر و ته قضایا را هر چه زودتر بهم آورد در سیاست دانشجویان پیرو خط امام و ... و ... و ... است. و البته برای ما این مبارزه تا به آخر است. بعنوان مثال یک روز وزارت خارجه اعلام می‌کند که برخی از گروه‌گانها از ادخواهند شد، دقیقی بعدوا شگن اظهار خوشبینی می‌نماید ولی دیری نمی‌پایید تا مردود دانشجویان مستقر در لانه‌جا سوسی این توطئه را نقشی بر آب میکنند و مقامات آمریکا نیز دچار سرگیجه میشوند. این امر یعنی تعدد مراکز قدرت سیاسی در ایران که یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران است. هم خوبست و هم بد. خوبست، چون یکدست لیبرالی و فدا انقلابی و سازشکار نیست. بد است، چون بخاطر همین تعدد از قدرت کافی برخوردار نیست و قابلیت شکنندگی اش زیاد می‌باشد. بهر حال به اصل موضوع بپردازیم.

کارتر در همان اوایل تسخیر جاسوسخانه آمریکا پس از به راه انداختن یک موج تبلیغاتی ضد ایران، سیاست خود را در یک جمله خلاصه کرد. او گفت که سیاست آمریکا "تحمل و صبر در عین قاطع بودن" خواهد بود. البته این سیاست قبل از اینکه ناشی از ابتکار خاص سیاستمداران امیریا لیسیم آمریکا باشد، بیشتر سابقه‌ای بود که اجباراً میبایست بدان تن در می‌نهاد. امیریا لیسیم آمریکا بدینال ضربه سختی که طوسی

انقلاب ایران بر آن وارد شد، می‌کوشید تا مواضع از دست رفته خود را به دست بیاورد. بدین منظور امیریا لیسیم آمریکا از یکسوی تقویت نیروهای وابسته بخود در عین حال کوشش برای جلب نیروهای سازشکار و لیبرال درون قدرت حاکمه سعی می‌نمود تا بتواند نه تنها ثیرات منفی انقلاب ایران بر منافع خود را به حداقل رسانده و شرایط تقویت و تحکیم سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی خود را مجدداً ایجاد نماید، تا قبل از تسخیر لانه‌جا سوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام، مواضع در مجموع بر حسب انتظار را تا آمریکا پیش می‌رفت. مقامات ایرانی چراغ سبزه‌مقامات آمریکا را نشان میدادند، قرار دادهای نظامی مخفیانه منعقد می‌نمودند، معاهده‌ها و بیمانه‌های نظامی که در دوران قبل منعقد شده بود را اساساً دست نخورده نگاه می‌داشتند و ... و خلاصه کلام برآبسط و پیوندهای گرم‌تری میان امیریا لیسیم آمریکا و لیبرالها و سازشکاران دولت بازرگان که توسط ارتجاعیون و عوامل باقی مانده از نظام پیشین بیشتر سیوی آمریکا هل داده می‌شدند، ایجاد می‌شد. تا جاییکه کارتر اعلام کرد که منافع آمریکا در "تحکیم حکومت بازرگان" نهفته است.

ولی در عین حال تضادهای درونی جامعه ایران نیز در حال حدت یابی مجدداً بود. صف‌نا را ضامن اقشار وسیع تری درون خود جای می‌داد. دولت بازرگان که میخواست در امواج سهمگین و طوفانی انقلاب ایران، قایق بهارث رسیده را با پای روی شکسته بچلنوراند، لاجرم بیک بن بست می‌رسید، که رسید، در چنین شرایطی است که شاه به آمریکا می‌رود و دولت بازرگان نیز حفاظت از لانه‌جا سوسی آمریکا را تضمین می‌نماید.

تسخیر سفارت خانه آمریکا توسط دانشجویان و اوج گیری مبارزه فدا میریا لیستی مردم ایران در این بن بست سیاسی دولت بازرگان گشایشی ایجاد نکرد. ولی بدون بازرگان، این حرکت فدا میریا لیستی موجبات غافلگیری مقامات آمریکا را برآورد و در شرایط جدیدی که دولت مرکزی ایران نه قدرت کامل اعمال زور خود را دارد و نه بوده، مردم توانسته بودند تشکیلات جدید و انقلابی برای اعمال زور خود ایجاد کنند، به باغ دو بغرنجی آن افزود.

سیر وقایع و اقدامات مقامات امیریا لیسیم آمریکا بدین نحو بود:

۱ - دولت آمریکا اعلام می‌کند که گروه‌گانها باید فوراً از ادشوند و الا دست به اقدامات شدیدتری خواهد زد. در عین حال اعلام می‌کند که برای "احترام" به "حقوق بشر" و معالجه شاه "مریض" او را به آمریکا دعوت کرده است.

۲ - هیئتی با نمایندگی رمزی کلارک، یکی از عوامل سیا که خود را لیبرال معرفی می‌نماید و قبلاً نیز با مقامات ایرانی چندباری در تماس بوده، از سوی کارتر به ایران فرستاده می‌شود. که با اعلام موضع قاطع و بجای اما خمینی مبنی بر عدم قبول هیئتی از سوی مقامات آمریکا، این اقدام امیریا لیسیم آمریکا خنثی می‌شود. اما خمینی در عین حال علیه "اطرافیا نی" که می‌کوشیدند با مقامات آمریکا تماس حاصل کنند نیز با قاطعیت اعلام موضع می‌نماید.

۳ - دولت کارتر، می‌کوشد از طریق ثالث، مانند زمان ملل و سایر دولت‌های امیریا لیستی با مقامات ایرانی تماس حاصل نماید.

۴ - کارتر در اولین سخنرانی خود در باره "وضع جد در ایران"، مردم ایران را به "تروریسم" متهم می‌کند. سعی می‌نماید تا با سر راه انداختن یک کارزار تبلیغاتی نوع "حقوق بشری" خود، بر سا ده لوحی مردم آمریکا تکیه کند و یک جنجال ضد ایران در سطح آمریکا و جهان برپا کند.

۵ - دوشنبه ۲۹ آبان، کارتر دستور قطع خرید نفت از ایران را می‌دهد. هدف از این اقدام این بود که بگوید ایران نمی‌تواند از سلاح نفت بر علیه آمریکا سود ببرد. ۴۰ روز بعد نیز کارتر دستور مسدود کردن کلیه ذخایر ارزی دولت ایران در بانک‌های آمریکا را می‌دهد.

۶ - شورای امنیت، به درخواست کارتر جنایتکار، اولین اطلاعیه خود را بر علیه ایران صادر کرده و برای "نگرانی" از وضعیت می‌نماید. بدینال اولین اطلاعیه، پس از چندین دومین قطعنامه شورای امنیت و نیز دسوان لاهه علیه ایران صادر می‌گردد.

با اینصورت وصف دولت امیریا لیستی آمریکا در موقعیت مستأصلی قرار گرفت. از یکسوی خواسته مردم ایران و نظرات افکار عمومی در جهان بر علیه شاه جنایتکار، دولت آمریکا نمی‌توانست کارزار تبلیغاتی بین المللی خود را بگردان فاع از شاه پیش‌تیه در صفحه ۳

باید ...

مشولان دولت و شورای انقلاب دائر برای اینکه آمریکا با بردن شاه مظلوع به پاینا ما شکست خورده و ملت به پیروزی رسیده است، هدفی جز سست گردانیدن اراده ملت در پیگیری خواست برحق خود نمی‌جوید. امیریا لیسیم آمریکا هنوز واقعا شکستی نخورده و ملت ما به پیروزی نرسیده است. دولت آمریکا تنها راه گریزی برای خود یافته و قصد اردچشم مبارا ببندد و با اتکا به آشتی حوئی آقا - یان وزرا و مشولان کشور دو باره روابط اسارتگرا نه خود را با کشور ما و سا بر قضا یا را محکم سازد و به حرا بکاری و توطئه علیه انقلاب ایران ادامه دهد. آمریکا تن به شکست نداده، بلکه ملت ما را تحقیر کرده و سازجه قرار داده است.

برگزاری یک دادگاه افشاگری امیریا لیسیم آمریکا از جمله محاکمه ۵۰۰۰۰ حاسوس آمریکا طی در تهران میتواند فواید بسیار داشته باشد؛ لیکن اینکار رسانیدن عنوان صرف نظر کردن از مطالبه شاه مظلوع و اموال دزدی اش از آمریکا تلقی شود. اگر اینگونه تلقی شود، این محاکمات و امنا گریها در درون خود یک عسر عفت سببی و مدارا حوئی با امیریا لیسیم جنایتکار را، که در پی درهم شکستن اراده و تحقیر ملت ما است، در پی حواهد اذیت و سبب رورا برابر قلد رسیا، رورگوشیها، حرا کاریها و توطئه‌های خصمانه آمریکا و همستان ولیا دیش نخواهد بست. امیریا لیسیم جنایتکار آمریکا باید در برابر ملت غارت شده ما زانو درآید و با قهر تن به نسر دی دهد که پیروزی در آن قطعاً از آن توده‌های متحد و آماده برای فداکاری خلق خواهد بود.

هیچ قطعنامه و حکم طالمانه و فرمایشی ده‌های رسوای بیس المللی، هیچ جمع ارخود راضی مثنی دولت‌های زورگو و غارتگر ستا مشورای امنیت و با سیدادگاه لاهه، که سرگذرگاه اتحاد ملل عالمه گردنه گبیری مشغولند، نمیتواند و وساید کوچکترین خللی در اراده مردم سرای نکرسی نشانند. مطالبات حق خود، که در تطابق با کل منافع همه بشریت ستم دیده و تحقیر شده سراسر جهانست، بدیده آورد. اگر مردم به اتحاد خود متکی باشند، به حقانیت راه و هدف امان داشته باشند و سرسختی و فداکاری نشان دهند، از این هیاهوها هیچ کاری ساخته نیست و با بر قدرتها و با دیدشان در سراسر اراده خلقها و ملت‌ها بقدر بقیه در صفحه ۴

تحلیلی کوتاه ...

برد از سوی دیگر هرگونه اقدام نظامی در آن شرایط دو معنی داشت ۱ - هیچ گروگانی سالم بیرون نمی آمد ۲۰ - موقعیت نیروهای انقلابی و مترقی فدا مبریا لیسیم آمریکا در ایران تحکیم می شد، و نیز تا شیرات یک حمله نظامی به ایران در منطقه خاورمیانه آنقدر خطرناک می بود که تنها با ایجا دزمینه های کافی که هنوز موجود نیست، می توانستند به آن دست بیازند. و لذا از نظر بین المللی آمریکا سودزایی از این اقدام نمی توانست ببرد. پس همان طوریکه می بینیم بناچار سیاست آمریکا چیزی جز سیاست صبر و تحمل همراه با توب و تشرهای زورگویانه چیز دیگری نمی توانست باشد. البته این بهیچ وجه بدین معنی نیست که امبریا لیسیم آمریکا اقدامات نظامی در حال حاضر و در آینده ندارد. بلکه امبریا لیسیم آمریکا در برنومیه سیاست "صبر و تحمل همراه با قاطعیت" شرایط چنین گستاخی را میخواهد فراهم سازد. مثلا روزنامه هرا لند - تریبون ۲۹ - ۲۸ نوامبر به نقل از زکا رتر گزارش میکند که "حتی صرف آزادی گروگانها، شگافایین زخمیر طرف نخواهد شد". و در ادامه گزارش به نقل از سنا تورجا نمون که با کارتر ملاقاتی داشته از او نقل میکند که "من فکر میکنم که همه ما، از جمله رئیس جمهور، پس از اینکه گروگانها آزاد شدند دست به اقدام دیگری خواهد زد." (همانجا - تا کیدازما ست.)

بهر جهت، این سیاست "صبر و تحمل همراه با قاطعیت" تا مل ابعاد زیرین می گردد:

۱ - سیخ سیاسی افکار عمومی بر علیه ایران و اقدامات فدا مبریا لیسیم مردم ایران، تحت لوای نقش قوانین بین المللی و دفاع از "حقوق بشر" شاه، براه انداختن تظاهراتی که مأمورین پلیس سیاسی آمریکا و فاشیستهای آمریکا در آن قرار دارند و صدور قطعنامه های از پیش آماده شده و فشا ربرای ایران نیان مترقی ساکن در آمریکا.

۲ - ایجا دیک جبهه سیاسی دول امبریا لیسیم علیه ایران، و

در درجه اول جبهه متحدکشورهای اروپای غربی و ژاپن و نوکران سرسپرده آمریکا در کشورهای سه قاره، و نیز استفاده از زمین جبهه های متحد در مجامع بین المللی برای تحت فشار قرار دادن ایران، که از جمله سازمان ملل، دادگاه هالهو... غیره می باشد.

۳ - تهدیدهای نظامی با گسیل ناوگانهای حامل تفنگداران آمریکا و هواپیماهای جنگ در اطراف دریای عمان.

۴ - بکار بردن اصلحه تحریم اقتصادی ایران، در درجه اول از سوی آمریکا و نیز فشار بر دول متحد برای اقدامات محدودتر تحریم اقتصادی ایران.

۵ - همه اقدامات فوق در متن یک سیاست کنش دار کردن این مبارزه صورت می گیرد. بدین مفهوم که امبریا لیسیم آمریکا با طولانی کردن زمان این بحران، می کوشد تا اختلافات درونی جامعه ما - که وجود دارند - را تشدید نموده تا جبهه مبارزه فدا مبریا لیسیم مردم ایران که فعلا جناح های سازشکار نیز در آن جایی برای خود دست و پا کرده اند - تضعیف گردد، تا خواسته های این مبارزه ضد امبریا لیسیم غیرقابل حصول بنظر آید و لاجرم این مبارزه سازشگانه شود.

۶ - در عین حال امبریا لیسیمهای آمریکا می کوشند تا از این موقعیت برای تحکیم موقعیت خود در آمریکا و نیز با برآه انداختن تبلیغات فاشیستی بر علیه خلقهای مبارز جهان، به برنامهای جنگ طلبانه خود سرعت بخشند. با ایجا دیک جو مضمونی ارتجاعی مبنی بر اینکه ملت آمریکا تحقیر شده است، منافع و "شرافت" آمریکا با یدموم بماند و غیره... قوای نظامی و تجاری و کاروانه آمریکا را تقویت نموده اند. از جمله آخرین اقدامات هیئت حاکمه آمریکا طرح لایحه بودجه نظامی آمریکا است. که بطور بی سابقه ای به مبلغ ۱۵۷ میلیار دلار افزایش یافته است. و از جمله دیگر اقدامات کارتر طرح لایحه ایجا دیک قوه استراتژیک ضربتی شامل ۱۰۰ هزار تفنگدار آمریکا می باشد. برای تصویب در مجلس بیرو این اقدامات اخیرا هیئتست سیاسی - نظامی آمریکا در سفری به عربستان سعودی سعی نموده است تا شرایط و امکانات مناسب را برای حملات نظامی آمریکا در کل منطقه و از جمله ایران آماده نماید.

اینها روشی کلی سیاست امبریا لیسیم آمریکا بود.

هدف - یا اهداف این سیاست امبریا لیسیم آمریکا، بطور خلاصه چنین می باشد:

۱ - شکست انقلاب ایران، و در نهایت تغییر وضعیت موجود به نفع خود و وابستگی در ایران.

۲ - جلوگیری از شکست و خرد شدن هر چه بیشتر بهت و وجه قدرتی امبریا لیسیم آمریکا در محنه بین المللی و اینکه هیچ قدرت مردمی نمی تواند در برابر او امبریا لیسیم ایستا دگی نماید.

۳ - ایجا دیک جو ضد مبارزات فدا مبریا لیسیم خلقهای جهان، و بویژه برآه انداختن یک هیستری ضد ایرانی و عربی و آماده ساختن اذهان عمومی مردم آمریکا برای جنگ بین المللی سوم و تقویت بنیه نظامی و تجاری و کاروانه امبریا لیسیم.

تفا دهها شیکه امبریا لیسیم آمریکا با آن مواجه است:

الف - جبهه درونی امبریا لیسیم آمریکا:

در اینکه محافل مختلف امبریا لیسیم در آمریکا همگی مخالف سرسخت انقلاب ایران و نیز مبارزه ضد امبریا لیسیم جاری در ایران هستند، شکی نیست. ولیکن در عین حال امبریا لیسیم آمریکا با یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی بین المللی و درونی نیز مواجه است، و هر کدام از این محافل امبریا لیسیم می کوشند تا در درجه اول منافع اساسی جناح خود را محفوظ دارند، و لذا اختلافات و تضادهای درونی محافل مختلف امبریا لیسیمهای آمریکا می نه تنها موجود، بلکه روبه افزایش است. صف بندیهای متعددی که برای احراز مقام ریاست جمهوری در دورا نتخابا - با تال آینده از هم اکنون ایجا د شده است، بسیار نگران کننده است و اختلافات شدید میان جناحهای مختلف حاکمه می باشد. ولیکن موج ضد امبریا لیسیم مردم ایران بخاطر اینکه در درجه اول مجموعه هیئت حاکمه امبریا لیسیم را هدف حمله خود قرار داده و در عین حال ایجا دچند دستگی و بروز آشکارا اختلافات درون محافل حاکمه امبریا لیسیم آمریکا به صف آن در مقابل مردم ایران تلقی می شود، هیئت حاکمه آمریکا را به یک وحدت ظاهری موقتی تا باز پس گرفتن گروگانهای جاسوس، مجبور ساخته است. با اینکه رتر سخت می کوشید همه را متحد و مدافع سیاستهای خود نشان دهد، چندین مورد جزئی از این اختلافات در دعواهای میان

جناحهای کیسنجروا رتر و کندی و بوش بروز کرده است.

در مراحل اول، برخی از جناح های حاکمه، جناح کیسنجروا کفلر را مورد حمله قرار داده و آنان را در پناه دادن شاه به آمریکا عامل اصلی و لذا مقصر در ایجا دبحران کنونی معرفی نمودند. ولیکن در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود، کارتر با مراحت تمام مسئولیت بنا نهادن به شاه را بعد از گرفت و با قاطعیت اعلام نمود که کیسنجروا کفلر نقشی در این میان نداشته اند. علت چنین موضع گیری را با بدردارین نکته دید که کارتر که خود کا ندیدای ریاست جمهوری دور آینده نیز می باشد، با این مانسور خود می گوید خود را رهبر و مسئول واقعی دولت آمریکا نشان داده، و با استفاده از جو ضد ایرانی که در آمریکا ایجا د نموده اند، در میان افکار عمومی پشتیبانان بیشتری بیاید. سیاست جناح کیسنجروا کفلر (عمدتا نماینده گروه مالی چس - مانهتان) بر مبنای دفاع از شخص شاه، و اینکه نوکران آمریکا (بمقول خودشان متحدین آمریکا) می بایست توسط آمریکا پناهنده شوند تا مبادا سایر نوکران نسبت به وفساداری آمریکا دچار رتزلزل گردند، مشخص شده بود. سیاست کارتر که در اساس استفاده از وضع موجود برای تحکیم رهبری خود، و تقویت موقعیت جناح خود برای احراز مقام ریاست جمهوری دوره آینده می باشد، عموما بگردد دفاع از جان گروگانها، همان سیاست حقوق بشرگدانی اش می باشد. با توجه به اینکه با گذشت هر چه بیشتر زمان مردم آمریکا به حقایق بیشتر آشنا شده و هیئت حاکمه را زیر سوال می کشیدند تا علت حدت بحران روابط میان آمریکا و ایران را حوا شوند، سنا تور کندی نیز که خود کا ندیدای ریاست جمهوری است، از این وضعیت استعاده کرد تا او نیز بتواند موقعیت جناح خود را در میان مردم آمریکا - بعنوان ناجی آنان - تحکیم نماید. سیاست تبلیغاتی کندی نیز در تظاهراتی که کندی کرد، غلط رواسی جمهوری سابق و از جمله کارتر بوده است، بنا شده بود، نتوانست پیروزی برای او محسوب گردد، چرا که تا کتیک ظاهرا مردم فریب او در مقابل جبهه متحد باقی جناحها قرار گرفت و ایشان نیز بغیر از آن تا کتیک مزورانه خود دست برداشتند. ولیکن با گذشت هر چه بیشتر زمان اختلافات درونی هیئت حاکمه تقید در صفحه ۴

حقیقت

تحلیل کوتاه ...

آمریکا بیشتر بروز میکند، و در صورتیکه یک دولت واقعا انقلابی در ایران وجود مییافت میتوانست این گرگهای خون آشام امپریالیست را بجان هم بیاورد. از این موقعیت بهترین استفاده را برای بیشتر مدتها در آمریکا لیستی مردم ایران بنمایند. هم اکنون تا آنجا شیکه از نقطه نظرات ایران شده توسط شما پندگدان جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا برمی آید همگی در انتظار آزادی گروگانها می باشند تا حملات آشکار خود را بر علیه یکدیگر آغاز نمایند. جبهه خارجی امپریالیسم

آمریکا:

همانطوریکه در فوق آمد، یکی از اقدامات کارشرا این بوده است که از طریق دولت امپریالیست و وابسته متحد با خود، فشار دیپلماتیک و سیاسی و اقتصادی بر ایران وارد کنند. دولت امپریالیست اروپائی و ژاپنی از مهمترین متحدین امپریالیسم آمریکا در صحنه بین المللی می باشند و نیز تا بحال از نقطه نظر سیاسی و دیپلماتیک در کارزار امپریالیسم آمریکا علیه مردم ایران همگام بوده اند. اهمیت تقویت این اتحاد در ایران در میان کشورهای غربی تا بحال درجه بود که جلسات مهم سران پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناٹو) بطور عمده مصروف مسائل مربوط به ایران گشت.

تا کنون از آنچه که اقدامات و عکس العمل های رهبران دولت اروپائی و ژاپنی بر می آید، از نظر سیاسی و دیپلماتیک اتحاد خود را با آمریکا بر علیه ایران حفظ نموده اند. تمام دولت فوق الذکر با مدور اطلاعیه ها و هشدارهای رنگارنگ کوشیده اند تا ایران را تحت فشار خود قرار دهند. ولی از آنجا شیکه امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی از نظر اقتصادی شدیداً به منطقه خاور میانه و نیز ایران وابسته می باشند، منافع اقتصادی آنان ایجاب نمی کرد تا دست بیسک تحریم فعال اقتصادی ایران بزنند. از این روست که برای نمونه میبینیم که دولت امپریالیست آلمان که از نظر سیاسی شدیداً بر علیه ایران و

اقدامات فدا میبریالیستی مردم ایران موضع گیری نموده است، زمانیکه گروه مالی مورگان - گارانتی - که کارتر مربوط به این جناح است - دست به مسدود کردن دارائی های ایران در شرکت آلمانی کروب می زند - دست به انتقاد دزدانه - اگر چه اقدام عملی نمی نماید. و یا اینکه در میان تمامی کشورهای اروپائی که پیرو تقاضای آمریکا برای تحریم اقتصادی ایران، علاقه اقدامی نکرده اند، تنها آلمان آتیم بطور پنهانی دست به تحریم محدوداقتصادی ایران می زند، و نیز می بینیم که دولت ژاپن و آمریکا بر سر تحریم اقتصادی ایران شدیداً در مقابل یکدیگر قرار می گیرند.

ولی همانطوریکه آمد، دولت امپریالیستی اروپائی و ژاپنی تمامی امکانات دیپلماتیک و سیاسی خود را در اختیار مقامات آمریکا قرار میدهند، برای نمونه در روزنامه واشنگتن پست آمریکا می چنین آمده است: "در تماس با تمام ممالک اروپائی (اروپائی) آنان بدون وارد شدن در اجزای مسئله اظهار داشتند که سفارتخانه ها نشان گزارش های مرتبی درباره تحولات ایران در اختیار آمریکا قرار داده اند. بیشتر این کمک ها که از جمله شامل کردن کانالهای اطلاعاتی از ایران به دستگای خبرگیری آمریکا می باشد، بطور مخفیانه صورت گرفته است. تا میاها از سوی ایران عکس - العملی صورت گیرد" (۵ دسامبر ۱۹۷۹). با این حال دولت آمریکا به گفته برژنسکی، مشاور امنیتی کارتر، می گوشتد "جا مع بین المللی تدریجاً فشار اقتصادی خود را بر ایران بیافزاید" (تا مگر اینکه گروگانها آزاد شوند). همان نشریه ۱۰ دسامبر ۱۹۷۹ تا کنون به برخی نکات مورد بحث پرداخته ایم، در حال حاضر وضعیت بطور خلاصه چنین است - جبهه امپریالیستی آمریکا - از نظر درونی بطور موقت قوی و در صورت تداوم این مبارزه ضعیف تر می گردد، مردم آمریکا از حالت تداومی و مخالفت با مبارزه مردم ایران بسوی بی تفاوتی و مخالفت با سیاست های دولت آمریکا کشیده می شوند، و از نظر متحدین بین المللی آمریکا، از نظر سیاسی اتحاد طاهری ولیکن با توجه به منافع اقتصادی امپریالیستهای مختلف شدیداً قابل بهره برداری از سوی یک نیروی انقلابی است (که شوروی انقلاب فاجد چنین ماهیتی می باشد).

ساید ...

موریانه ای هم نیرو دارند، آنها ای که مانند آقای وزیر امور خارجه و اعضای شورای انقلاب میگویند ما بی اهمیت جلوه داده ساله استرداد جغاه مخلوع از آمریکا و تا کیید یکجانبه سروی افشاگریهای بین المللی آب سرد روی حسش ... انگیخته مردم بیایند، به پیشروان انقلابی و شوروشوق توده ها برای پاسداری از دستاوردهای تاکنون بدست آمده انقلاب و گسترش و تعمیق آنها زیان میرسانند. با فشاری ملت ما بر این خواست حقه خود اوج دادن به نبرد ضد امپریالیستی کثونی برای تحکیم مبنای انقلاب در کشور ما و مقابله با زورگویی و قتلدرمائی امپریالیستها و میربا لیتها ضروریست و سه سا یر ملل سیزدهم بارزه برای سرکندن یوغ امارت ملی شان نیرو میبخشد، ملت های اسیر شرق و علی الخصوص خلقهای آسیا و آفریقا، که دست اتحاد بسوی ملت ما در آورده اند، همگسی امروز چشمه نتیجه و سرنوشت نبرد کثونی ملت ما با آمریکا را جانیگزار دوخته اند و خواهان پیروزی ما در این نبرد حیات اند.

از سوی دیگر برخی از نیروهای انقلابی، که قضا یا را از روی

مردم ایران در کنار خود جبهه متحد خلقهای دنیا و کشورهای مترقی و سوسیالیستی واقعی را دارند. جنبشهای آزادیبخش و خلقهای منطقه مهمترین متحدین مردم ایران در این مبارزه قلمداد می گردند. ولیکن از نظر جبهه داخلی مبارزه مردم ایران، نیروهای ارتجاعی و سازشکار و لیبرال از درون سعی می نمایند که مبارزه فدا میبریالیستی مردم ما را محدود و منحرف نمایند. در عین حال در صورت گرفتن ابتکار عمل، امکان است و وسیعی برای یک بسیج جهانی علیه امپریالیسم آمریکا و نیز افتای ابر قدرت دیگر - شوروی - که با سیاست مزورانه، پشتیبانی ظاهری از مردم ایران و پشتیبانی عملی از امپریالیسم آمریکا، از این موقعیت به نفع خود سوء استفاده در انما ید، وجود دارد. تمام منطقه خاور میانه از نظر ذهنی آماده مبارزه فدا میبریالیستی و فدا رتجاع داخلی خود هستند. استفاده از این امکانات بطور انقلابی، نه تنها با امپریالیسم آمریکا، امپریالیستهای اروپائی و روسی و ژاپنی ضربات مهلکی وارد خواهد آورد، بلکه مهمترین فاکتور را برای تداوم انقلاب ایران است.

طوا هر آنها به ادوری میکشد، ما بی اهمیت جلوه دادن خواست استرداد شاه حائن، که از راه ملت بر آن تعلق گرفته و امپریالیسم آمریکا را با حس سزگی علیه خود در سواخته، عملاً بی موضوع راه لغت میکشد و تحققی می کند. برخلاف نظر ایشان این خواست صرفاً "حزبی" یا چیز از خواست های فدا میبریالیستی توده های مردم" ما نبوده بلکه در حال حاضر در مرکز ما - رده حزبی ملت در سراسر امپریالیسم آمریکا و بلکه در سراسر همه دنیای عارتگری و زورگویی و فاجعه آفرینی قدرتهای استعمارگر جهان قرار گرفته است. بسیاری از چیزهاست که در ظاهر با چیز می نماید ولی انفسه نا چیز است، ولی از هر چیزی برای حریفان با خوشایندتر است. عجا یر این "حز" یا چیز" که اینهمه آمریکا را به مقامت مذبحانه برانگیخته به توطئه و تحریک و تهدید و ارباب علمه ملت ما وسیع دنیای علیه ما و داشته است. عجا یر این "حز" یا چیز" که با قدرتها و ایدئولوژی رادیکال بین المللی شان از کارهای دیگر انداخته، به فکر مقابله مشترک با ملت قهرمان ما، که پرچم آزادی همه خلقهای آسیای غری را بدوش میکشد انداخته است. برعکس، مردم قهرمان ما بدر سخنان برای این "حز" یا چیز" یا فشاری کنند و حول آن برای نیل به تمامی خواستهای فدا میبریالیستی خود محاهدت و رزند - کاری که کمابیش میکشد.

ما موضع گیری قاطعانه داریم. نشویمان مسلمان بیروخط امام را در این زمینه، که در هفته دوینجمین اعلامه خود همچنان مردم را به پافشاری در سربد فدا میبریالیستی و مبارزه برای نازیس گرفتن شاه و اموال غارتی از آمریکا تشویق و ترغیب کرده و گرا بشهای سازشکارانسه را مردود شناخته اند، می ستائیم و از موضع سر سخنان این فرزندان متعد ملت در سراسر امپریالیسم خونخوار آمریکا، اس سلطان سزگی و دشمن غذا ر همه ملت های در سحجان، پشتیبانی میکنیم. ساندکه هیچ وسوسه شیطنت آمیزی، که از سوی محافل سازشکار و فدا انقلابی سرختمه میکشند، نتواند ما را از حس گسترده ای که مسمی ما را به قدر است کردن در سراسر آمریکا و سیاست رور و فلداری سرمایه داری خونخوار بین المللی ...

استی وارد کند.

مرحله حساب ...

و شرایط مشخص در مبارزه، ضد امپریالیستی، رفتن شاه به پاناما را یک "پیروزی بزرگ" برای ملت ایران رقم بزنند، خواهسته پاناما خواهسته بخیریب مردم و انحراف و کار شکنی در مبارزه، ضد امپریالیستی دست زده است. اجازدهید مسئله را کمی بررسی کنیم:

مبارزه ای که با اشغال جا سوخانه، امپریالیسم آمریکا آغاز گشت، بعلمت غلبه نیروهای سیاسی معینی در رهبری آن، خواهسته اصلی و مرکزی خود را "استرداد شاه" توسط امپریالیسم آمریکا گذارد. روشن است که هر آینه این خواهسته اصلی و مهم با خواهسته های اساسی در مبارزه ضد امپریالیستی مانده اند. خواهسته های امپریالیستی و وابستگان نشان در ایران، محاکمه و مجازات عوامل سرسپرده امپریالیسم، دگرگونی بنیادی در ارگانهای امپریالیستی زده - بخصوص ارتش - حل بنیادی مسئله رضی و ... جوش نمی خورد، خواهسته ای محدود بوده و مبارزه، ضد امپریالیستی را نیز محدود می نمود و با نتیجه کشش لازم را در هدایت و تعمیق و گسترش مبارزه، ضد امپریالیستی نداشت. و به همین دلیل روشن و بارز بوده است که نیروهای انقلابی مرتباً و پی در پی کوشش در گسترش خواهسته های ضد امپریالیستی و آگاه نمودن مردم نسبت به یک مبارزه، همه جا نبوده و آگاهانه برای قلع و قمع نمودن کامل امپریالیسم در ایران نموده اند.

ولیکن نیروهای سازشکار و ضد انقلابی، نیروهای که نفوذ فوق العاده ای در "شورای انقلاب" و دولت داشته و در حقیقت بر آن غلبه دارند، از همان ابتدا در خرابکاری در این مبارزه، ضد امپریالیستی کمر همت بستند و کوشیدند تا با انحراف در مبارزه، از گسترش و تعمیق آن جلو گیری نموده و با لایحه آرا عقیم سازند. البته این نیروها نمی توانستند آشکارا علم مخالفت سلسله مبارزه، ضد امپریالیستی را بلند کنند، بلکه این کار را در آبی کردن خواهسته ها، هیاهوی تبلیغاتی و

با لایحه سرهم آوردن این مبارزه با یک رشته کارهای با مصالح پرسرو صدا ولی بی محتوا میکردند. این نیروها که همگی پیروسیاست "گام به گام" (در حقیقت عقب نشینی گام به گام) هستند، کوشیدند تا مردم را گام به گام با زشوروهیجان انداخته و به عقب بکشند تا با لایحه با بوق و کرنا اعلام کنند که رفتن شاه به پاناما "یک پیروزی بزرگ" در این حرکت تاریخی است!؟

آقای قطب زاده آشکارا خوشحالی خود را از این امر اعلام می دارد: "خروج شاه از آمریکا و عزیمت وی به پاناما پیروزی برای اراده ملت ما در این مورد است و آشکارا نفاذ حدودی در حال تغییر است" (اطلاعات ۲۲ آذر) و سپس ادامه می دهد: "زمانی که ما بحق خود برسیم، من اولین کسی هستم که سعی خواهم کرد این بحران را از بین ببرم، ولی من این بحران را دوست ندارم" آری آقای قطب زاده و هم - پیما نشان در "شورای انقلاب" زاول سعی در از بین بردن "بحران" کرده اند. ولی این "بحران" چیست؟ بلند شدن موج وسیع مبارزه، ضد امپریالیستی! این آن چیزی است که "شورای انقلاب" می خواهد آنرا از بین ببرد و آقای قطب زاده هم با "غرور" خاص خود می گوید "من این بحران را دوست ندارم".

"شورای انقلاب از همان ابتدا سعی کرده حتی خواهسته "استرداد شاه" را هم مستمالی کند. اینان در مقابل این خواهسته، سه پیشنهاد هم آورده و در مقابل آمریکا فرار دادند: ۱ - آمریکا قبول کند که شاه جانی است، ۲ - اموال شاه و خانواده اش را مسترد کند، ۳ - یک محاکمه بین المللی برگزار شود. (به حقیقت ۴۹ مقاله "شورای انقلاب" و مبارزه، ضد امپریالیستی رجوع کنید) و اعلام نمودند که اگر آمریکا به این خواهسته ها گردن نهد، اوضاع بر وفق مراد و طرف خواهد بود. امروز ما بوضوح می بینیم که این سیاست در حال غالب شدن است. البته نه آمریکا قبول کرده که شاه جانی است (ولایت ایران هم هرگز چنین انتظاری را ندارد و از خداداظم هیچوقت چنین خواهسته ای را نداشته) و نه اموالی مسترد شده است، فقط قرار است یک "هیئت منصفه بزرگ" به جنایات ۲۵ ساله آمریکا و شاه رسیدگی کند!؟

در چنین چارچوب و اوضاع و

احوالی است که آمریکا شاه خاشاک و مخلوق را به پاناما می فرستد. باید سوال کرد که چرا آمریکا این کار را در همان ابتدا نبلند شد مبارزه، ضد امپریالیستی انجام دهد؟ زمانی که خواهسته مرکزی "استرداد شاه" از آمریکا قرار می گیرد، همیشه این خطر وجود داشت که آمریکا با فرستادن شاه به خارج از خاک ایالات متحده، در ظاهر هم که شده محور این خواهسته را مخدوش سازد. همه نیروهای انقلابی حتی خود را نشجویان اشغال کننده جا سوخانه، آمریکا به این ابرواقت بودند. بخاطر همین امر نیروهای انقلابی می کوشیدند تا مبارزه را برگرد خواهسته های اساسی متمرکز کنند که آمریکا در به فرار از زیر آن نه نشاند. بخاطر همین امر دانشجویان نیز در یکی از اعلامیه های اولیه شان بصراحت اعلام کردند که "کشتن شاه و یا بخارج فرستادن او هیچ دردی را دوا نخواهد کرد و عواقب وخیمی را به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل بود که آمریکا نمی توانست در آن زمان و در آن موقعیت شاه را به خارج برتاب کند!

فرستادن شاه به خارج از آمریکا، در آن شرایط که مبارزه، ضد امپریالیستی و شوروهیجان مردم در اوج خود بود، فقط باعث حادث شدن اوضاع و میا زده میشد و هیچ کس جرات پیدا نمی کرد که آن را یک "پیروزی بزرگ" جا بزند. در آن شرایط این حرکت امپریالیسم آمریکا باعث می گشت که موقعیت برای جرخیدن از شعار "استرداد شاه" بیما به خواهسته مرکزی به خواهسته های اساسی در مبارزه، ضد امپریالیستی آماده تر گردد. به همین خاطر آمریکا دست به چنین کاری در آن موقعیت نزد!

آمریکا به آن دل بست که "شورای انقلاب" اوضاع را آرام کند و "شورای انقلاب" هم همین کار را در دستور کار خود قرار داد. "شورای انقلاب" آشکارا به خواهسته های اساسی در مبارزه، ضد امپریالیستی که نیروهای انقلابی و مردم فریاد می کردند، بی اعتناء ماند (هیچ انتظار دیگری هم نبوده و نیست). مرتباً در گوش مردم فرود کرد که افکار عمومی جهان بر علیه ایران و انقلاب ایران بلند شده است، مرتباً مردم را به این دل خوشی کرد که میخواد هندیک بیورش تبلیغاتی آغاز کنند (و با لایحه هم حتی در این مورد هیچ غلطی نکردند جز یک مقدار لفاظی و کلمات تمنا و تحویل مردم دادن، بطوریکه

دانشجویان اشغال کننده، جاسوس - خاشاک به بصراحت اعلام کردند که: "ساعت خاشاکها ایران در خارج با ید همگام با ملت و خط امام حرکت کنند، کسه متاع سفاهت در این مورد سفارخانه ها نه تنها همگام نبوده اند، بلکه در مواردی جنبه منفی نیز داشته اند" (کیهان ۲۶ آذر) و "ویک محاکمه "عظیم و تاریخی" ترتیب دهند!؟ که با لایحه این سیاست به نظرمی رسد که غالب شده است و یک "هیئت منصفه بزرگ" میخواد هند را به پاناما زندوبه جنایات شاه و آمریکا رسیدگی کنند. با غالب شدن این سیاست سازشکارانه، امپریالیسم آمریکا موقعیت را برای فرستادن شاه به خارج مناسب دید. حال دیگر در ظاهر مسئله "استرداد شاه" مطرح نیست، و در همان افکار عمومی کذاشی جهانی، ایران گویا دیگر هیچ مجوزی برای نگهداشتن گروگانها ندارد. و آقایان "شورای انقلاب" چی هم به این سیاست پایا میدهند.

آقای قطب زاده میگوید: "بهر حال بنیادین این کارها (منظور هیئت منصفه بزرگ است) که جنبه افشاگری دارد، محاکمه گروگانها بگذاریم" (کیهان ۲۶ آذر). آقای رفستجانی میگویند: "مسئله اصلی ما محاکمه جاسوسان نیست بلکه، بی - خواهیم با تشکیل یک هیئت بین المللی جنایات آمریکا را در سطح گسترده افشاء کنیم، بنا بر این وقتی که ما کلیه جنایات آمریکا را افشاء کردیم مسئله محاکمه این افسران در درجه دوم قرار می گیرد... (کیهان ۲۶ آذر) و آقای قطب زاده سنگ تمام میگذارد و اظهار می کند: "در جلساتی این هیئت که اعضاء آن هنوز مشخص نشده، گروگانهای آمریکایی نیز، در صورت تمایل شرکت خواهند کرد" (اطلاعات ۱۹ آذر) بنا بر این "شورای انقلاب" میخواد هند را سرتشه مسئله را با یک "هیئت منصفه بزرگ" و برخی افشاگریهایی سطحی که ناچاراً هم انجام داده اند، هم بسا و روند، و حتی مسئله محاکمه جاسوسان آمریکا، بی - را هم مستمالی کند. پس از آنکه اختن این "هیئت منصفه بزرگ" و کسب یک "پیروزی بزرگ" (!؟) دیگر گروگانها هم با طبع آزاد حوا هند شد. زیرا اگر کسی نخواهد آنها را محاکمه کند، اگر حتی در صورت تمایل خود این جاسوسها در این "هیئت منصفه شرکت نخواهند کرد، دیگر چه حنیای بی آنها در ایران هست؟ و به این ترتیب

حقیقت

مرحله حسابی ...

همه چیز بخوبی و خوشی حل خواهد شد و "بحران" خاتمه پیدا خواهد کرد. البته این تصور "شورای انقلاب" است!

اما این هیئت منصفه بزرگ چکار میخواد هدیکند؟ تا آنجا شبکه تا کنون اعلام داشته اند، بطور عامی - خواهی دید چنانچه با آمریکا و شاه مخلوع را افشاء کند، مسلماً این افشاگری چیزی بیشتر از کارهایی که تا کنون انجام داده اند نخواهد بود، یا اینکه بگویند در ۲۸ مرداد دسیا به کمک شاه فراری شتافت و کودتا کرد که حتی خود امیرالیم آمریکا هم با وقاحت آنرا قبول دارد، یا اینکه بگویند رژیم چنانکه در ۲۷ سال حکومت ننگین اش نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از مردم قهرمان این سرزمین را به خاک و خون کشیده، یا اینکه بگویند چگونه رژیم شاه ایران را از هر نقطه نظریه فلاکت کشاندند... همه اینها را مردم ایران میدانند و حتی به اندازیه یک سرسوزن ارتقاء، به آگاهی خدا امیرالیم ایستنی آنها کمکی نخواهد کرد. مطمئناً دست اندرکاران "شورای انقلاب" در فکر افشای قرارداد های امیرالیم ایستنی، در پی افشای تمام جا سوسه های آمریکا و عوامل آمریکا در ایران، در پی افشای نامساواکی ها و... نخواهند افتاد و اینکار را نخواهند کرد. چرا که اگر واقعاً این قراردادها افشاء شوند، دیگر ملت اجازه سازشکاری در ابقاء و در پرده ماندن این قرارداد های اسارتبار نخواهد داد.

آنگونه که به نظرمی رسند "شورای انقلاب" با صلاح در فکر جلب "افکار عمومی" جهان است. ولی باید در مورد این "افکار عمومی" و چگونگی جلب آن کمی توضیح داد تا فریب کاری و دغل بازی "شورای انقلاب" روشن شود.

اولاً - نیایستی که انتظار داشت که به محض آغاز مبارزه ملت می بر علیه امیرالیم ایستنی، با همه آمکا - نابت تبلیغاتی که در دست آنهاست، همه مردم جهان به نفع ملت کتیب - خاسته اعلام موضع نموده و در عمل به حمایت از آنها برخیزند، فقط در طی یک مبارزه طولانی و سخت، و در طریقی

یک مبارزه عملی است که پشتیبانی ملت ها و خلق های دیگر جلب خواهد شد. نمونه ویتنام بهترین نمونه است. در ابتدای جنگ مسلحانه خلق قهرمان ویتنام بر علیه امیرالیم آمریکا، اکثریت مردم آمریکا که تحت نفوذ تبلیغات مسموم طبقه حاکم امیرالیم ایستنی آمریکا بود، مدافع غارتگران آمریکا می بودند و با جنگ ویتنام و حضور آمریکا در ویتنام موافقت میکرد. مردم ویتنام نمی توانستند با تکیه بر این واقعیت دست از مبارزه بر علیه امیرالیم ایستنی آمریکا بردارند و فقط در سطح جهانی اظهار تنظلم بکنند. و دیدیم که با مبارزه ای بی امان و با شکست دادن نظامی - سیاسی آمریکا، موفق به جلب افکار عمومی جهانی و حتی مردم آمریکا شدند.

ثانیاً - "شورای انقلاب" در مورد افکار عمومی جهان به مسزدم ایران دروغ میگوید! بسیاری از ملت ها، بخصوص ملت ها که تحت سلطه امیرالیم ایستنی آمریکا هستند، به دفاع از مردم ایران در این مبارزه برخاسته اند. نمونه آن تا شیب این حرکت مردم ایران در کشورهای همسایه و بلند شدن یک موج ضد آمریکا می در کشورهای ما بنام پاکستان، عربستان، ترکیه، لیبی و... است. ما با دیدن این افکار عمومی تکیه کنیم، نه افکار عمومی عقب مانده ای که تحت تا شیب تبلیغات امیرالیم ایستنی است.

ثالثاً - مهم ترین مسئله در مبارزه خدا امیرالیم ایستنی با لایردن سطح آگاهی مردم ایران از ماهیت، سیاستها و عملکردهای امیرالیم ایستنی در همه دنیا و بخصوص ایران بوده و آماده نمودن آیدئولوژیک - سیاسی و عملی مردم ایران برای مبارزه خدا امیرالیم ایستنی و در بر توار این امر، کوشش در جهت جلب افکار عمومی جهان که اتفاقاً برای جلب شدن بسیار هم مساعد است. "شورای انقلاب" آگاهانند در این مهم اخلال و خرابکاری کرده است.

خلاصه کنیم، این "هیئت منصفه" هیچ کاری جز تا شیب کردن بروی عقب مانده ترین افکار عمومی جهان، و سرکوب پیشرفته ترین افکار عمومی جهان، و با لایردن مردم ایران، نمی کند و از این نقطه نظر پیشیزی هم ارزش ندارد!

امروزه وضع و سیسزهای در مبارزه خدا امیرالیم ایستنی مشخصی که بلند گردیده، پدیدار شده و وظیفه عاجلی در مقابل نیروهای انقلابی

جامعه قرار داده است. از یکسو، رهبری مبارزه خدا امیرالیم ایستنی آشکارا در حال افتادن بدست "شورای انقلاب" است که هدفی جز خرابکاری و عقیم گذاشتن مبارزه خدا شده و ندادن لازم به گفتن است که هنوز مقاومت ها می از طرف دانشجویان اشغال کننده جا سوس - خانه آمریکا در مقابل حرکت و سیاست های "شورای انقلاب" می گردد. نمونه بارز آن اختلافی است که بر سر محاکمه ویا عدم محاکمه جا سوس آن آمریکا می اسپرده بین دانشجویان و قطب زاده و "شورای انقلاب" در گرفته است. رفتن شاه به پاناما، در حقیقت تا کتیکی بود از طرف امیرالیم ایستنی آمریکا برای تسکین سیاست خرابکارانه "شورای انقلاب" در امر مبارزه خدا امیرالیم ایستنی و تسریع برنامه "هیئت منصفه بزرگ".

نیروهای انقلابی می با یستی سریع و بدون وقفه این سیاست را تمام و کمال افشا کرده و سیاست صحیح و اصولی را در مقابل مردم قهرمان ایران قرار دهند.

از سوی دیگر رفتن شاه به پاناما، شرایطی را بوجود آورده است که مردم ایران قادر باشند، بدون هیچ گونه پرده ای، مشاهده کنند که امیرالیم ایستنی آمریکا رودر روی آنها ایستاده است و بدون ساختن خواسته های اساسی که ریشه این جهان - خواران بین الطللی را از ایران بر می کند، و مبارزه قاطعانه ای برای تحقق این خواسته ها، بیروزی قاطع کسب نخواهد کرد. نیروهای انقلابی با دیدن این مردم توضیح دهند که نمی توان از امیرالیم ایستنی خواستار "استرداد شاه" بود و برای آن مبارزه نکرد، و فقط با گسترش و تعمیق مبارزه است که میتوان به خواسته های خود رسید. نیروهای انقلابی با دیدن مردم توضیح دهند که فرستادن شاه به پاناما از طرف امیرالیم ایستنی آمریکا، فقط بمنظور عقیم نمودن مبارزه خدا امیرالیم ایستنی مردم ایران بوده است و پس در مقابل این گستاخی امیرالیم ایستنی، ملت ایران می با یستی مبارزه را عمق بخشیده و گسترش دهد، و در چنین چارچوبی افشای آن نیروهای اخلال گری که این امر را بمناسب "بیروزی بزرگ" جا می زنند و میخواد هند ملت را دلخوش کنند.

نیروهای انقلابی هنوز با یستند قاطعانه بر خواسته "استرداد شاه جنایتکار" یا فشاری نمایند مردم را بگردان بسیج کنند. این خواسته

ها پلانترمی بود که مبارزه خدا امیرالیم ایستنی بگردان اوج گرفت، و اخلالگران و خرابکاران در مبارزه خدا امیرالیم ایستنی و خود امیرالیم ایستنی میخواد هند مردم را از این پلانترم محروم نمایند، با یستند محکم بروی این پلانترم ایستاد و خواسته ها را ارتقاء داد. (به مقاله تا یستند جنان بریا زبست گرفتن شاه مخلوع و فراری با فشرده در همین شماره رجوع کنید).

۱ - پیگیری دربار زگردانیدن شاه خا شن و خا نواده مغفورش و دارا می و اموالی که از ملت ما دزدیده و بسه خارج برده اند.

۲ - افشاء و افشای کلیه قراردادها و معاهدات نظامی، اقتصادی و فرهنگی رژیم سرنگون شده شاه مخلوع با امیرالیم ایستنی آمریکا و قراردادها می که دولت موقت با آمریکا بسته است.

۳ - ملی کردن کلیه سرمایه های امیرالیم ایستنی و در افس آن آمریکا می و اتفا اقامتی در جهت تقویت و رشد صنایع ملی و متکی بخود.

۴ - اخراج کلیه جا سوسان و کارشناسان امیرالیم ایستنی از کشور.

۵ - دگرگونی بنیادی و پاک سازی کلیه ارکان کشور و بویژه ارتش با زمانه از زمان شاه مخلوع از اعمال و سرپرندگان رژیم سابق و امیرالیم ایستنی آمریکا.

۶ - گسترش شورا های نمایندگان دهقانان و تقسیم زمینهای بزرگ مالکان و فئودال - کمپرادورها در میان دهقانان برای جلب وسیع دهقانان به مبارزه عمومی ضد امیرالیم ایستنی و ارتقاء شور و اشتیاق آنان جهت ارتقاء سطح تولید کشاورزی خود کفا.

۷ - آموزش نظامی همگانی در سراسر کشور و تشکیل تعداد هر چه بیشتر دسته های مجاهد مسلح و طلب برای دفاع از همه شهرها، دهات و تاء سیاست کشور.

۸ - اتخاذ یک سیاست خارجی قاطع خدا امیرالیم ایستنی در دفاع از همه جنبشهای آزادی بخش بویژه جنبشهای ملی و ضدفاشیستی و ضد صهیونیستی ملل منطقه (فلسطین، عمان، افغانستان و غیره) و استقلال کامل از بر قدرتها و امیرالیم ایستنی و دیپلماتی ارتجاعی آنها.

همه مردم خواهان محاکمه و اشد سزای در صفحه ۷

حقیقت

نبرد

باشند، هرگز شکست نخواهند خورد و سرانجام پیروزی را از آن خود خواهند کرد. بنا بر این طبقه کارگر باید در لحظه کنونی، که ملت با غدارترین دشمن خود، آمریکا را جنایتکار، روبروست پرچم اتحاد بزرگ همه توده های محروم و خلقهای میهن خود را افراخته نگاهداری و از هر جریانی که به وحدت و تقویت جبهه ضد امپریالیستی یاری میرساند پشتیبانی کند و در برابر هر جریانی که به وحدت و تقویت جبهه ضد امپریالیستی زیان میرساند وصف خلق را آشفته و متفرق میکند بایستد.

اخیرا، ۶ آوریل ۱۹۵۸، آیت الله خمینی گفت: "من برای چندمین بار تکرار میکنم که در این امرحیاتی تشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و یا هر فرکریسیاسی و مسلکی یا مذهبی که دارند، لازم است وحدت خود را حفظ نموده و علیه جنايات بشما ردولت، آمریکا موضعی خصمانه گرفته و اسکا ل تراشی و تفرقه اندازی که بسبب دشمنان کشور ما است، نباشد." این موضع گیری و دعوت مبتنی بر آن گام اولی و برخورد را از پشتیبانی همه انقلابیون و میهن پرستان واقفی است. اما زمانیکه آیت الله خمینی در کتا روه همراه با سخنان بالا دست از حمله بر علیه نیروهای انقلابی و خصوصاً کمونیست های ایران برداشته، عملا آن را به عمال امپریالیسم منتسب و وابسته به امپریالیسم معرفی می نماید و به تحریکات ضد کمونیستی و آشوبگرانه می دهد، عملا خود این سخنان را تلقین کرده، وحدت ضد امپریالیستی خلق را خدشه دار می سازد. نمی توان هم مدافع و مشوق وحدت و تشرهای ملت با هر مسلکی که دارند و یا هر فرکریسیاسی و مسلکی یا مذهبی که دارند بود و در عین حال با حمله به کمونیست ها و انقلابیون، همین وحدت را خدشه دار ساخت. وحدت ضد امپریالیستی خلق ایجاب میکند که این حملات و تفرقه افکنی ها کناره گرفته شوند تا مصالح ایجاب دیک جبهه متحد خلق بر علیه امپریالیسم آمریکا در عمل فراهم شود. این رسالت و ماموریت طبقه کارگر است که با متحد گرداندن طبقات و قشرهای مترقی و ملی

مردم در این مبارزه حیاتی و قاطعیت بخشیدن به موضع و حرکت خلق، رهبری پیروزمندانه این مبارزه را تسامین کند. آن محافل و نیروهای که شعارهای انحرافی طرح میکنند، یا مسائل غیر عمده را عمده میگردانند و یا لبه تیز شمشیر مسلکی یا مذهبی خود را بجای نشان رفتن بسوی دشمنان اصلی همه مردم، که امروز عمده آمریکا است، متوجه صف خلق و واحدهای گوناگون آن میگردانند، عملا آب به آتش میزنند و با میگرداندن امپریالیسم و وابستگیهای بزرگ ارضی که پایتختها را در پیشتیپانان اصلی رژیم منحوس سلطنت پهلوی بودند، ریشه دارند و با دارای پیوندهای فراوانی با این طبقات میباشند. انقلاب ایران با سرنگون سازی بساط شاه و دارودسته اش بیش از همه به این طبقات و قدرت سیاسی این طبقات ضربه زد، منافع های رها شده از قید استبداد افکنند و بسیاری از اعضای عالیه و مهره های شناخته شده این طبقات را سراری داد. این طبقات پایتختی های اجتماعی امپریالیسم و علی الخصوص امپریالیسم آمریکا در کشور ما هستند و در برقراری نظام سارت و برادری ملی ما و غارت دسته جمعی امپریالیست ها از کشور ما دستفراوانی تماشایی گسترده ای با ایادی خود در دستگا دولتی و علی الخصوص ارتش و در مقامات محلی میباشند و با خرابی با اربابان خود در آمریکا و دیگر جاها و با رژیمهای هم مسلک و هم طبقه خود در همسایگی کشور ما همکاری و مراوده دارند.

مردم در این مبارزه حیاتی و قاطعیت بخشیدن به موضع و حرکت خلق، رهبری پیروزمندانه این مبارزه را تسامین کند. آن محافل و نیروهای که شعارهای انحرافی طرح میکنند، یا مسائل غیر عمده را عمده میگردانند و یا لبه تیز شمشیر مسلکی یا مذهبی خود را بجای نشان رفتن بسوی دشمنان اصلی همه مردم، که امروز عمده آمریکا است، متوجه صف خلق و واحدهای گوناگون آن میگردانند، عملا آب به آتش میزنند و با میگرداندن امپریالیسم و وابستگیهای بزرگ ارضی که پایتختها را در پیشتیپانان اصلی رژیم منحوس سلطنت پهلوی بودند، ریشه دارند و با دارای پیوندهای فراوانی با این طبقات میباشند. انقلاب ایران با سرنگون سازی بساط شاه و دارودسته اش بیش از همه به این طبقات و قدرت سیاسی این طبقات ضربه زد، منافع های رها شده از قید استبداد افکنند و بسیاری از اعضای عالیه و مهره های شناخته شده این طبقات را سراری داد. این طبقات پایتختی های اجتماعی امپریالیسم و علی الخصوص امپریالیسم آمریکا در کشور ما هستند و در برقراری نظام سارت و برادری ملی ما و غارت دسته جمعی امپریالیست ها از کشور ما دستفراوانی تماشایی گسترده ای با ایادی خود در دستگا دولتی و علی الخصوص ارتش و در مقامات محلی میباشند و با خرابی با اربابان خود در آمریکا و دیگر جاها و با رژیمهای هم مسلک و هم طبقه خود در همسایگی کشور ما همکاری و مراوده دارند.

پس از تحولات مثبت یکماهه اخیر در صحنه سیاست کشور و تبدیل امپریالیسم آمریکا به آماج حمله و مبارزه مردم ایران، آن دسته از نیروها و محافل که بیشترین بهره را از

انحرافات، سازشکاریها و حرکات ارتجاعی دولت موقت می بردند و موقع خود را در خطر دیدند، آنها می خواهند وضع بهمان درگیریها و فتنه گیریهای ۹ ماهه پس از پیروزی قیام برگردد و کشور را زدرون به انفجار کشیده شده، سرانجام به گشتارگاه امپریالیسم و ایادی کودتاگر آن هدایت گردد. این نیروها و محافل در طبقات مخالف آزادی و استقلال و ترقی اجتماعی کشور، یعنی در سر ما یه داران بزرگ و وابسته و مالکان بزرگ ارضی که پایتختها را در پیشتیپانان اصلی رژیم منحوس سلطنت پهلوی بودند، ریشه دارند و با دارای پیوندهای فراوانی با این طبقات میباشند. انقلاب ایران با سرنگون سازی بساط شاه و دارودسته اش بیش از همه به این طبقات و قدرت سیاسی این طبقات ضربه زد، منافع های رها شده از قید استبداد افکنند و بسیاری از اعضای عالیه و مهره های شناخته شده این طبقات را سراری داد. این طبقات پایتختی های اجتماعی امپریالیسم و علی الخصوص امپریالیسم آمریکا در کشور ما هستند و در برقراری نظام سارت و برادری ملی ما و غارت دسته جمعی امپریالیست ها از کشور ما دستفراوانی تماشایی گسترده ای با ایادی خود در دستگا دولتی و علی الخصوص ارتش و در مقامات محلی میباشند و با خرابی با اربابان خود در آمریکا و دیگر جاها و با رژیمهای هم مسلک و هم طبقه خود در همسایگی کشور ما همکاری و مراوده دارند.

بنا بر این برای آنکه در اتحاد ضد امپریالیستی مردم ایران خللی وارد نشود صف متحد خلق مستحکم بماند باید تکیه گاه های اجتماعی امپریالیسم یعنی طبقات ارتجاعی ملاک و بورژوازی بزرگ دلال صفت را نابود ساخت. با برچیدن بساط حاکمیت و از میان زدودن موقعیت اقتصادی - اجتماعی ملاکان نیمه فئودال و سرمایه داران دلال و وابسته نه تنها شور و شوق توده های رها شده از دست آنها برای دفاع از انقلاب و وطن خود در برابر امپریالیسم و سرزندگی ایران نودر سراسر کشور غلغله عظیمی خواهد داشت، بلکه مجاری داخلی توطئه و تحریک امپریالیست ها و جاسوسان خراب کاریشان در اقتصاد دوسیاست کشور بسته خواهد شد و قلعه و باروی مردم از درون امن خواهد کردید. نتیجه

آنکه حفظ و ندادن اتحاد ضد امپریالیستی مردم ما و تضمین پیروزی نهائی ملت برای امپریالیسم آمریکا در لحظه حاضر، که ملت با انواع توطئه ها و تدارکات ارتجاعی بزرگترین دشمن خود یعنی آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب و بهم زدن اتحاد ضد امپریالیستی ایشان روبروست، همه مردم و واحدهای انقلابی را به برچیدن بساط سرمایه بزرگ وابسته، مساعده سرمایه های امپریالیستی و کمپرا دوری و ناپودی مالکیت ارضی نیمه فئودالی، این پایتختیهای اصلی نظام منحوس شاهنشاهی و استبداد خونین پهلوی و عوامل اصلی عقب ماندگی و وابستگی کشور را به امپریالیسم، دعوت کند و از هر جریانی که به تضعیف و ناپودی این پایتختیها و عوامل یاری میرساند پشتیبانی کند و با هر جریانی که به حفظ و تقویت آنها همت می نماید مخالفت ورزد.

کارترا خیرا گفته است که اگر ۵۰ جاسوس آزاد نشوند ایران "بهای سنگینی" خواهد پرداخت. این سخن ممکن است برای امروز و فردا جدی نباشد، ولی برای ماههای آینده و سال بعد و بعد از آن ختم جدی است و باید هم جدی گرفته شود. این "بهای سنگین" چیزی جز انجام یک تاج و گسترده نظامی به خاک ما و با طرح ریزی یک کودتای وحشیانه امپریالیستی نمیتواند باشد. امپریالیسم آمریکا سرانجام تنها راه حل برای حفظ منافع حیاتی خود را در ایران و ناپودی جوانان انقلاب در کشور ما در انجام یک کودتای ارتجاعی و امپریالیستی بیاری ایادی و جاسوسان خود و وابسته های خود و وابسته بخود می بیند و در صورت توافق با قدرت های دیگر شرایط مساعد نقشه در صفحه ۸

مرحله حساس ...

مخاطب برای جاسوسان آمریکا نمی هستند، در آن محاکمات با پدهمه استناد جاسوسی های این اراذل آمریکائی بر ملا کرد، همه عوامل امپریالیسم آمریکا در ایران که با این جاسوسان تماس داشتند، بمردم معرفی شوند و آنها همه محاکمه کشیده شوند، همه قراردادهای اسارت در این محاکمات بر ملا گردد، همه نقشه ها و برنامه ها شایر که امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب در ایران تدارک داشته و در بر ملا شوند و مردم در مقابل این داسوسان و توطئه ها آگاه کرده و آندیده نمودند.

نبرد ...

بین المللی به تاج و زینت شده نظامی هم تثبیت توانند کشت. تا آن زمان هم سعی و تلاش آمریکا تدارک مقدمات این اقدامات نظامی است. چه این اقدامات از درون و از راه کودتا صورت گیرد و چه از بیرون و از راه تاج و زینت دم ما در حال با بدنه تنها صف متحدی را بوجود آورده و مبنای اقتصادی و اجتماعی قابل اتکالی بی ریزی کنند. بلکه باید از هر لحاظ آماده و مجهز و بی کلام مسلح باشند. یک چیز روشن است که ارتش کنونی، که میراث رژیم سلطنتی و ساختن و پرداخته امپریالیسم آمریکا است، بیگ ارتش کودتا است و نه هیچ زو قابل اتکالی و اطمینان نمیداند. این ارتش دست نخورده و ترمیم شده، که شبکه های ساواک و سیا همچنان به حکم سرانی در آن مشغولند و تیمسارهای تربیت شده آمریکا بر آن فرمان میرانند، هرگز و هیچگاه جز علیه خلقهای ما نجنبیده است و هر آنچه فرماندهان آن که تا بحال حتی دستور شلیک یک گلوله را هم به سمت دشمن واقعی ملت صادر نکرده اند، درباره همبستگی با انقلاب، با ملت و یا با حکومت شخص خمینی بگویند، دروغ میگویند. تشیبات آنان برای بازسازی نهاد های ارتجاعی و آمریکائی ارتش، پیگردان دستها از فرمان، هماهنگی و درجه دازان و سربازان شریفی که در قیام شرکت کردند و بیگانه ایادی ساواک و ضد اطلاعات سابق در سازمان ارتش و یا اادامه تعلیم و تربیت افسران درازدروگاههای نظامی آمریکا، همه گواه بر ما هیت ضد انقلابی و ارتجاعی این دستگاه و عدم صداقت و بی وطنی سران جاه طلب ارتش کنونی است. قزاقخانه هم در زمان انقلاب مشروطه دعوی امانت و سرپرستی به قسان و اساسی و اساس مشروطه را داشت ولیکن در آخر خیانت و سرپرستی خود را به امپریالیسم هویدا ساخت. در آن زمان هم نیروهای بودند که به دلیل سازش کاری و ترس خود از توده های مسلح به خلق سلاح مجاهدان جان برکف انقلاب برداختند و به قزاقخانه و فرماندهانش متکی شدند و عاقبت هم انقلاب و هم خودشان را بنام بودی کشا نیدند.

اخیرا تیمسار زمدنی، این مکارترین چهره حاکم بر ارتش ما که مورد تقدیر و نظر هر دو ابرقدرت میباشند دربارها مکان درگیری نظامی با آمریکا گفت: "لازم نیست مردم نگران شوند، ما خود نقابا بر هر تاج و زینتی خواهیم ایستاد." با بدنه این آقای تیمسار گفت: برعکس، لازم است مردم نگران باشند و برای رفع این نگرانی مسلح شوند، زیرا هیچ اعتمادی به شاه و این ارتش گذاشتن نمیدانند و این خواب کردن های بشو به رضا خانی دیگر یک رتبه ایست. تنها بیمه مردم در برابر خطر یک کودتای خائنانانه و امپریالیستی و یا یک تاج و زینت - منتظرها امپریالیست ها و دست - نشانگان نشان تجهیزات ما دگی خود مردم و اتکالیست های مردم بر نیروی مسلح خودشان است. امروز از آموزش نظامی مردم و ایجاد ارتش بیست میلیونی گفتگو میشود. بدیده ما با بدنه نهایی مشق در سرا سر کشور پدید آید و بدست جوانان این کشور برای پاسداری از انقلاب خود و دفاع از شهرها و دهات و تاسیسات میهن خود سلاح داده شود. ما به این پیام اخیر آیت اله خمینی که "امیدواریم همه ملت ما تفنگدار باشند و همه جنگجو" (۲۵ آذر ۵۸) استناد میکنیم و خواهان تحقق این امر هستیم. و با زدر همین جا اضافه می کنیم که اگر حقیقتا خواهان آنیم که همه ملت تفنگدار و جنگجو باشند، نمی توان سیاست خلق سلاح نیروهای حقیقتا انقلابی و کمونیست را که کار در دستور کار قرار داد و در برابر تسلیح و تعلیمات نظامی "ما فی الیدئولوژی" گذاشت. هیچ کس مگر ایادی استعمار و گروههای وابسته به طبقات ارتجاعی و ضد انقلابی، به جز آن محافل و جریانی که ریگی به کفش خود دارند و حفظ و تحکیم منافع خلاف منافع خلق را در نظر دارند، از توده های مسلح نمی هراسند. پس طبقه کارگر باید در لحظه حاضر، که ملت با تهدیدات امپریالیسم آمریکا و تدارکات نظامی دشمنان انقلاب روبروست و به منظور سرکوب هر حرکت نظامی داخلی و خارجی ابرقدرت ها و یا ایدیشان، همه مردم را به آماده سازی و تسلیح خود تشویق کند و شعرا تسلیح عمومی خلق را ضمیمه هر خواسته ضد امپریالیستی و انقلابی خود گرداند، باید از هر اقدامی که به این آماده سازی و تجهیز یاری میرساند پشتیبانی نمود و هر اقدامی را که خلاف این جهت میسرود و یا هدف خلق سلاح دسته های مسلح انقلابی و ملی را دنبال میکند افسانه و محکوم ساخت.

به عشایر زحمتکش و مبارز باصری

مردم! هستند کسانی که بعد از انقلاب به ظلم و ستم ادامه میدهند. انقلاب که مبنایست ستون ظالمان، یعنی شاه را همراه شما مزور گویان به زباله دان بیندازد، با قصاص ما ندهد است. شاه جنایتکار رفته است و لایسی ظالمان و کسانیکه ما را بدسترنج و خون ملت، دهقانان و کارگران را می مکند هنوز وجود دارند و به زندگی تنگین خود ادامه میدهند. بسزرگ مالکان و سرمایه داران پولدار هنوز که هنوز است از بیکه تازی و ادامه ظلم دست نکشیده و نا بودندندند.

مردم! دهقانان زحمتکش! عشایر مبارز! در بین ظالمان کسانی هستند که روی هر ظالم دیگری اسفید کرده اند. در بین مالکان بزرگ و خوانین کسانی هستند که روی جنایتکاران مال مردم خور دیگری اسفید کرده اند. یکی از نمونه های این کسان در ولایت فارس کل مالک و خان مکار و ظالم بنام حسن علی خان فرغانی است. حسنعلی خان فثودال از خوانین ایل باصری و دهقانان زحمتکش بدست آورده است. در سال ۱۳۳۹ حسنعلی خان ملکهای روستاهای ابيوردی (بلوچی)، مادرطیعمان (۱/۵ سهم از این دور روستا این روستا بالاتر از سعادت آباد فارس در کنار رگور کوروش قرار دارد)، دهنو (نیم سهم) و کردشول (۱/۵ سهم) مالکی تهرانی بنام هدایتی به مبلغ ۵۶۰ هزار تومان خریداری کرد. در آن زمان حسنعلی خان با صدها حیل و زبان بازی و دسیسه عشا بر زحمتکش باصری را که اکثرا کوشند داشته و ادا کرده کوشند و تمام هستی خود و حتی شترهای خود را بفروشدند تا هر کدام قادر باشند هکتار از زمینهای ابيوردی یا بلوچی و دهنو را بخرند. عشا بر زحمتکش باصری جمعا ۱/۵ سهم زمینهای حسنعلی خان را به مبلغ ۵۶۰ هزار تومان خریدند یعنی حسنعلی خان بدون ذره ای زحمت روی حتی یک وجب از زمین مفت و مجانی صاحب ۱/۵ سهم از زمینهای کردشول شد. حال عشا بر زحمتکش که تمام هستی زحمت و خون دلهای سخت و مشقت بار خود را فروختند تا بتوانند تکه زمینی بخرند همگی فروردیدند. این عشا بر زحمتکش باصری که دیگر تهرانی پولی در بساط و نه امکانات کشاورزی در دسترس داشتند همگی بی خانمان شدند و ضرر کردند. حسنعلی خان که با مکر و با حیل در محضر هرسه هکتار را که ۶ هزار تومان پول گرفته بود ۳ هزار تومان در قبلا زمین ششت مفت و مجانی هزاران هکتار زمین را صاحب شد. این زمینها و شروتی که از این زمینها بدست میا و رده قیمت از دست دادن تمام هستی عشا بران و زحمتکشان و خون و عرق ریختن دهقانان زحمتکش این روستاها است. ننگ بر حسنعلی خان مفتخور! حسنعلی خان ارتجاعی و ضد زحمتکش دستی در از ظلم و ستم به عشا بر زحمتکش و دهقانان دارد.

در سال ۱۳۴۱ حسنعلی خان منطقه بیلاق و قشلاق عشا بر طایفه لب موسی (باصری) را از کرده سعادت آباد تا چاه مصطفی و گردنه تا در آباد را با زور و حمايت سر جنگلداري فارس و همچنین دره بیلاغی یکی از مرغوبترین چراگاههای ایل باصری را به تصرف خود در آوردند. در آن سالها پاسگاههای ژاندارمری شاه جنایتکار روحانی و پشتیبانی حسنعلی خان بود و در این تاج و زات بر زمین ها و مراتع بمانند تفنگچیهای حسنعلی خان فرغانی بود.

این مالک و خان پست در سال ۴۲ دهقانان امیر آباد مردودشت را بوسیله تفنگچی و برخی عشا بران آگاه با زد و بند با ژاندارمهای شاه جنایتکار سرکوب و آواره کرد.

پس بعد از سال ۵۰ حسنعلی خان فرغانی دهقانان زحمتکش کردشول را که خواست زمین داشتند و شکایت کرده بود با حمايت ژاندارمهای شاه خاشاک سرکوب کرد.

۱۸ بقیه در صفحه

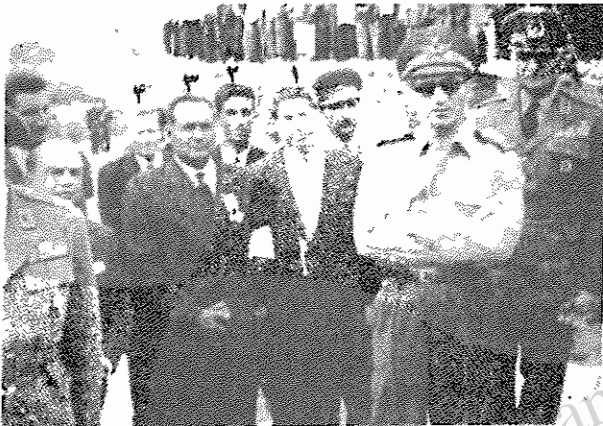
۸ - روز سه شنبه ۲۵ آذر در حدود ۱۵ خانوار زحمتکش منطقه - دستگیر خانه بوده و در امیر آباد شمیران نوبکمک عده ای از دانشجو - شمالي قرار داده و تصرف خود در می آوردند.

اخبار کوتاه

پانویته‌های جدید خوانین عشایر فارس آشنا شوید

تاریخ گذشته عنایر فارس به خصوص عنایر فتاحی همواره با خاستگاه آن به حسی حلقه های ایران همراه بوده است. این سران زمانی همراه با جاسون آلمان هیلتری به تاخت و تارمی پرداختند و زمانی دیگر همراه با قوام السلطنه آمریکا در مقابل جنس های مترقی ایران دست به توطئه می زدند (از آن جمله اسرار و ناصر و خروخان فتاحی با قوام السلطنه).

لت میکردند. اما ننوا سته اند نتیجه ای نگیرند. این سران گمانی هستند که اکثر عموها و اک بوده و سه دستورهای بیا عوص میگردند. (عکس بعضی از آنها با اربابان شاه مظلوم ضمه است). پنج تن از سران آنها با مهی ابارخان دره شوری، جعفر علی بنا هبوری، جهانگیرخان دره شوری، زکی برهنک دره شوری و زیا دسترک دره شوری هر کدام تفتنگهای سرتوچگی "اعطای بلوگانه" دانستند.



سرج عکس: ۱- عبداله خان کشکولی، ۲- سهراب خان فرغانی کشکولی، ۳- محمد حسن دره شوری، ۴- زیا دسترک دره شوری.

بعد از قیام که همنده من ماه ۵۷، دهفان فتاحی که در سربازان ستم و بهره کسی نشود آنها به سر می بردند، به ما ننوا سته اند. معلوم نیست چرا ایران بر علیه این روابط ظالمانه بنا خاستند، بخصوص درنا بسنسان امسال در بیلابیل ابل فتاحی که در اطراف سمیرم و شهرها می باشد و بطور احص در منطقه ای بنام مهرگرد که اکثر باغها و مزارع گندم و دانه میوه و مزارع در آنجا می باشد، دهفانان به کمک عنایر صراگانه و مترقی به تقسیم ستمی از زمینهای خوانین پرداختند و مبارزه آنها تا به آنجا می رسید که درختهای سیب یکی از باغهای یکی از خوانین دره شوری به نام "جهانگیرخان دره شوری" را خراب و زبیده در آوردند و با ما سبب های شخصی خوانین را خرید کردند. (ما ننوا ستمییل شخصی سبب از ابارخان). خلاصه کار به آنجا می رسد بود که خوانین آنجا قرار کرده و بخصوص شیبا بهیج وجه در محصل نمی باشند. در تمام این نزاع ها کسبه های اما به نفع خوانین دخت

جالب آنست که ما این مسز دوران ساخته شده در دوران جمهوری اسلامی سربازان ستم و بهره کسی نشود آنها به سر می بردند، به ما ننوا سته اند. معلوم نیست چرا ایران بر علیه این روابط ظالمانه بنا خاستند، بخصوص درنا بسنسان امسال در بیلابیل ابل فتاحی که در اطراف سمیرم و شهرها می باشد و بطور احص در منطقه ای بنام مهرگرد که اکثر باغها و مزارع گندم و دانه میوه و مزارع در آنجا می باشد، دهفانان به کمک عنایر صراگانه و مترقی به تقسیم ستمی از زمینهای خوانین پرداختند و مبارزه آنها تا به آنجا می رسید که درختهای سیب یکی از باغهای یکی از خوانین دره شوری به نام "جهانگیرخان دره شوری" را خراب و زبیده در آوردند و با ما سبب های شخصی خوانین را خرید کردند. (ما ننوا ستمییل شخصی سبب از ابارخان). خلاصه کار به آنجا می رسد بود که خوانین آنجا قرار کرده و بخصوص شیبا بهیج وجه در محصل نمی باشند. در تمام این نزاع ها کسبه های اما به نفع خوانین دخت

کشاورزان چه میگویند

سخنان کشاورزان قریه های سوله ۱ و ۲ و نرسه دو کچه ارسواج شهرستان اینه

در زمانی که اصلاحات ارضی در کشور ایران شروع کرد اما لکین عمده را خدش تعیین کرده یکی اینست که اربان ده های خود یک ده را اسباب کند. و بنیه دیگر اربان کشاورزان تقسیم ستمی است تا اینکه مرحله دوم شروع کرد. مرحله دوم تا مل حده مالکین میباشند و ما مورین اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ آما رسیدی کردند و اداره اصلاحات ارضی به مالکین اطلاع دادند چون دارای هیچ مدارک صحیح نیستند از این تاریخ مجهول مالک نامیده خواهند شد تا اینکه ملک خود را ثبت نماید. آقا بان ما لکین در ارتداد شدن نمودند و اداره ثبت و ما مورین، از نظر ما دی توانسته اند راه حلی همچون برای مالکین پیدا کنند و از این عینی که دارای مدارک بودند نتوانستند ز لحاظ ساده لوحی خودشان به ثبت برسند تا اینکه ملک بنام مالکین ثبت نشود.

ما مورین اصلاحات ارضی برای تعیین اجاره ۱۲ ساله با پرداخت وجه وسط ۱۲ سال قیمت ملک انتخاب کردند. ۱۱ سال ارفاق با رازار عین به دارای پرداخت نمودند و ۱ سال آن در جریان انقلاب باقی ماند. با پیروزی انقلاب و ریشه کن شدن طاقونیا ما فکر میکردیم که ظلم و ستمی دیگر وجود ندارد اما این قبیل مالکان ۳ ماه بعد از انقلاب ادعای بهره مالکانه و ملک ها شدند. در تاریخ ۵۸/۲/۱۰ موقعی که مالکین ادعای خواستار زمینها شدند یک درگیری بوجود آمد که در این میان حد اکثرم کرد زنگنه و عباسعلی کرد در گنجه به سختی زخمی شدند و عده ای دیگر از کشاورزان از ترس مالکین خانه های خود را ترک کردند. ما کشاورزان به اسناداری خوزستان مراجعه کردیم و از مقامات خواستیم که به وضع ما رسیدند اسناداری یک روحانی را به منطقه فرستاد و روحانی ارما خواهش کرده که بهره مالکانه را به مالکین بپردازیم ما کشاورزان موافقت کردیم. اما مالکین تساهلی را قبول نکرده و حواسا رنما رنما سببای کشاورزان شدند. ما دوساره شکایتی به دفتر امام جمعی در قم کردیم و بعد از چند روزی جواب رسیده بود، که اساء الله به وضع شما رسیدگی خواهیم کرد.

در تاریخ ۵۸/۲/۵ موقعی که میخواستیم محصول سرج خود را سرج داشت کنیم مالکان مسلحانه برای گرفتن بهره مالکانه یعنی طبعی نسل از اصلاحات ارضی به ما حمله کردند.

و حال که موقع کشت گندم و دیگر محصولات میباشند مالکان یعنی حاج نکراله ساهیسی و حاج پرویز حیدری طو کیزی می کنند و نهد ستمی کنند اگر وارد زمینها شدند ما شمارا با خود می کشیم و هیچ یک از مقامات مسئول به وضع ما اقدامی بعمل نمی آورد.

۵۸/۹/۱۶

۷ - حدود ۲۵۰ نفر ار احبار کوناه گرفته است. در اعتراض مجموعه آنها کارگران شرکت ساری اسور در سوده مردم دست نیک نظاهرات سر علی به روزهای سه و شنبه و دوشنبه یعنی اس گسترده اند.

۶ - مقامات فرمانداری قزوین ستم و خواهان پرداخت حقوق عمیت وین کارگران بیگارا این شهر را که قبلا اندازه و زمانای خود بودند. اس با شکل خود فرمانداری را گرفتند کارگران در عمل تحریر کردند که بودند و آنجا اخراج میکنند و بانه! و رار کار به حواسه های آنان وضعی میگویند که سها ۲۰۰ تومان وام می - میگردارد و ما هب این ارگان بی دهم و کار آنها می را که احساره بردند. سینه در صفحه ۸

حاسبان عمیت اندازه نیز میپردازیم.

در کارخانه کفش وین چه گذشت

اخبار کارگری

شوراها با پیش کشیدن سحتهای دیگر
صالحه را استعویق مماندا خندند. چند
با رنما یخته دادسرا آمدو جلوی تظا -
هرات کارگران را گرفت و با آنها وعده
سرخمن داد، تا اینکه بالاخره روز ۱۲
آبان صاحب کارخانه سلاوه سداد
زیادی از کاررسان سنوان اعتراضی
بصورت اعتصاب کارخانه را انصرک
کردند و پس از چند روز تعدادی ارفستند.
های مختلف کارخانه سفلت نداشتن
موادا ولیه بصورت سطل درآمسدو
کارگرها در کارخانه نبودند اما کاری
اشخامنمیشد، کارگران سدا دستانی
مرکز رجوع کردند، تا مبه نخست وزیر،
وزارت صنایع ومعادن، دادگستری
و وزارت کار فرستادند و جواب
نشنیدند و صاحب کارخانه با بی رادریک
کفش کرده بود که در این کارخانه
اخلالگری میشود و کارگران با سید
دست از خواسته هایشان بردارند. ا سنا
اسنا رواقعا کارگران روحیه ای
سدا کرده بودند که دیگر جاضربودند
به قهر کردن حاج مصطفی اعتنائسی
بکنند.

این اعتراضات بهمراه
اعتصابات یکی دوساعته تا روز ۴ آذر
بمسد در صفحه ۱۳

متحدانه کارگران در رسیدن بایسن
خواستها جلوگیری کرده اند. در ایسن
کارخانه نیز مانند بسیاری از کار -
خانجات دیگر کمیته کارگری دانشکده
پلی تکنیک نقش سازشکارانه خود را
ساز می کند و همواره سعی میکند از
طریق عوامل خود در کارخانه ذهن
کارگران را از مساله اصلی کارخانه
منحرف کرده و در چارچوب های دیگری
چون جهاد سازندگی وغیره مشغولشان
دارد. و دانشجویانی نیز باین کار -
خانه رفت و آمد داشتند که همواره
صحبت از گفتگوهای صلح آمیز با کار -
فرما میکردند و از اقدام کارگران جهت
گرفتن خواستشان جلوگیری میکردند
که البته حاج مصطفی حتی همین ها را
نیز نتوانست تحمل کند.

کارگران جهت گرفتن
خواسته هایشان به تمام مقامات رجوع
کرده اند که با لطمه ی آنها ترتیب اثری
نداده نمیشود. هرگاه کارگران جمیع
میوشند که تجدید انتخابات کنند سروز
کلبگی از مقامات پیدا مسد که س
همراهی عوامل کمیته کارگری کانون

در این کارخانه شورا وجود
داشته است. این شورا ۱۰ اسفند در ایسن
کارخانه بوجود آمد و حدود ۶۰ روز کار -
خانه را بدون کارفرما اداره کرد.
اکنون کارگران خواهان انحلال
آن و ایجاد شورای جدیدی هستند زیرا
شورای کنونی را از خود نمیدانند.
مدتی است که کارگران درگیر ایسن
مبارزه هستند و البته خواستهای مهم
دیگری دارند مانند: ورود و خروج
مواد به کارخانه بصورتی که قلا بوده،
اخراج کارمندان اضافی، سود ویژه،
طبقه بندی مشاغل، سود سهام و سالا
رفتن حقوق از اول مهر ماه، تا بحال
شورا و عوامل سازشکار دیگری که باین
کارخانه رفت و آمد میکنند از حرکت

کارخانه کفش وین در کیلو -
متر ۱۸ جاده قدیم کرج قرار دارد.
تولید آن کفش های حرمی، بلاستیک
کتانی و کف کفش میباشد. سرمایه
اولیه آن ۲۰۰ هزار تومان بوده اما
اکنون سرسه میلیونها تومان میزند.
سها مدار عمده این کارخانه ساج -
مصطفی حسین زاده است. او سها مدار
عمده کارخانجات دیگری چون زرسن -
بافت، کفش سه ستاره و چرم سازی
تهران نیز میباشد. حدود ۷۰۰ کارگر
در این کارخانه اشتغال به کار دارند
و از شرایط مناسبی برخوردار نیستند.
در مورد برخی کارمندان شعیض
فوق العاده در حقوق و مزایا بکار برده
میشود. فنار بر روی کارگران زیاد
است و در صورت غیبت حقوق و مزایا کم
شده و در صورت دیر آمدن سبیرا بر حقوق
کم میشود.

نفتگران مبارز سر مشق همه کارگران ایران

کران مهران اولین کسانی بودند
که با ورود شاه مخلوع به آمریکا، با
امپریالیستی یا نکی هشدار دادند
که در صورت عدم استرداد این جانی به
ملت ایران، نفت را برایشان قطع
خواهد کرد! امری که دولتشان سازش
کا روضا انقلاب را سخت بهراس افکند و
در پی تکذیب و سرکوب این هشدار حق
برآمد.

سازشغال لانه جاسوسی
یا نکی هادرتهران بدست دانشجویان
و بلندشدن موج مبارزه ضد امپریا -
لیستی در سراسر ایران، باز ایسن
نفتگران بودند که ملی کردن شر -
کتهای حفاری امپریالیستی
راه تعمیق و گسترش مبارزه ضد امس -
یالیستی و همه جانبه نمودن آن را به
همه طبقه کارگر و همه مردم استقلال طلب
و آزادیخواه ایران تمام کردند!

و اقدام قهرمانانه کارگران
شرکت نفت لاوان، ضربه ای دیگر بر
سکرا مریا لسم و آرد آورد، آنهم در
شرایطی که عده ای سازشکار و خدایان
سی در پی آرام کردن مردم و خواباندن
بمسد در صفحه ۱۳

هفته گذشته، نفتگران مبر -
مان شرکت نفت لاوان، در تبرستان -
رزه ضد امپریالیستی جاری در کشور،
و در جهت تعمیق و گسترش اصولی و
صحیح آن، شرکتهای وابسته نفتی
بان آمریکا، سوئیتران، سربس،
لاسکو و ایمینگو را با اسامی
اعلام کرده و سرمایه های این بنگاه -
های جپا ول وغارت امپریالیستی
که سالانه صدها میلیون دلار از ثروت می
دم ما را می دزدیدند، را مسداده
نمودند. نفتگران قهرمان شرکت نفت
لاوان، حنا نکاران ساواکی و سربس -
سپردگان امپریالیسم این واحدهای
تولیدی را نیز تفضیه کرده و راه خراب
کاری و اخلالگری در مبارزه راه بسر
این ابادی و عوامل بیگانه نه بر سست
بستند! درود همه کارگران و خلقهای
رزمنده ایران بر نفتگران قهرمان!
نفتگران قهرمان ایران
همواره نقش برجسته و بیشتازی در
انقلاب ایران سازی کرده اند، از
اعتصاب قهرمانانه و فلج کننده شان
در سال گذشته با شعار مرکزی سرنگونی
رژیم شاه مخلوع تا امروز! نفت -

قدرت کارگران در اتحاد عمل و یکپارچگی است

پیروزی مبارزه کارگران اخراجی پروژه ای شرکت استروبوستر
(طرح توسعه شیمیائی رازی - ساپورسان) به رهبری سندیکای کار -
گران پروژه ای (فعلی) آبادان و حومه بر ضد قانون کار سنا هی که
بر اساس آن شورای حل اختلاف اداره کار بندر ما سهرای سمنع سرمایه
داران وابسته به امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا مسد کرده است .
بدنبال صدور رای ضد کارگری شورای حل اختلاف اداره کار بندر
ما سهراد شربرمرد و شمردن سکوا شیه کارگران اخراجی شرکت استون و بستر
(طرح توسعه شیمیائی رازی - ساپورسان) ، بنا به خواست کارگران،
سندیکای کارگران پروژه ای (فعلی) آبادان و حومه که سنا سندگی از
طرف قریب به هشت هزار نفر کارگر این سکوا شیه را بسگیری و سسال مینمود،
بعدا ز ظهور زه سشنبه ۵۸/۹/۱۴ کارگران اخراجی از اهواز، مسجد سلیمان،
هندیجان، خلف آباد، بندر ما سهر و آبادان در مسال اداره کار بندر
ما سهر گرد هم آمدند و طی سخنان پر شور و با صدای بلند اعتراض بسد خود
را نسبت به رای صادره برانداختند و بعد از آنکه سنا پندگان آنجا موفقی به
فرماندار، روسا و مقامات محلی شدند. گرد هم آئی خود را با سنا را نحد
اتحاد اد ادبیا بان رسا ندو گفتند که تا ما پشت سر سنا پندگان سمان بصورت
بمسد در صفحه ۱۳

مبارزه ضد امپریالیستی کارگران شرکت فلور

مبارزه در کارخانه نخ زرین ادامه دارد

دربی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه، مبارزه در کارخانه نخ زرین ادامه دارد. کارگران این کارخانه در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند. کارگران در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند. کارگران در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند.

مبارزه در کارخانه نخ زرین ادامه دارد. کارگران این کارخانه در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند. کارگران در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند. کارگران در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند.

شرکت فلوریکی از شرکت های بزرگ آمریکا است که کارش ساختن پالایشگاه می باشد. این شرکت در حدود ۱۳۰۰ کارگر دارد که در قسمت های مختلف مشغول به کار هستند. موج مبارزه در شرکت فلور در ایران به رهبری کارگران شرکت فلور در آمریکا است. کارگران شرکت فلور در آمریکا در پی اخراج کارفرما و تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند.

اخبار کوتاه

- ۱ - کارگران دارو سازی در پی اعتراض به برودت هوا در کارخانه خود جهت گرفتن سود ویژه - که موقتی شده است - که معادل سه ماه حقوق آنها می باشد در دستگیر شدند. در پی تشکیل شورای کارخانه خود هستند.
- ۲ - شرکت فرموج که وارد کننده سیلوه های کشت و ریزی و مرغداری های مکانیزه و ساختن نهال های بیست و هشت ساله است. (سپتامبر اصلی این شرکت سرهنگ ممتاز می باشد که در زمان دولت بازرگان رئیس شهر است) تهران نیز می باشد. بهمنی ممتاز زیست روی مدبرعامل شرکت است. (در طی جریان اخیر مبارزه ضد امپریالیستی بوده مردم، این شرکت بعنوان وابسته به آمریکا و شرکت اعلام گشت و اکنون می خواهد با انتقال این وابستگی به ژاپن مجدداً شروع بکار کند.
- ۳ - در ادامه گسترش مبارزه در

مجدداً همراه با یک هیئت از کارکنان آمریکا به ایران برگشت. (شرح کامل در حقیقت ۲۲). جندی پیش حدود ۸۰ میلیون مقداری اموال شرکت را با رزده و با بارنامه های بی نشانی های شیراز، بوشهر، بندرعباس، تهران، و در واقع به قصد فرار از آنها به آمریکا، هنگام عبور از در بروجی شرکت مورد شک کارگران قرار گرفت و کارگران متوجه شدند که میخواهند این اموال را از شرکت خارج کنند، به همین جهت کارگران که در جریان مبارزه ضد امپریالیستی چهره شناسی و حساسیت کار آمریکا را شناخته بودند، از خارج کردن اموال شرکت جلوگیری کرده و آنها را از کامیون ها پاشن آویزاند. بدنیال این درگیری، نیروهای "انضباطی" وارد صحنه شدند و به کارگران گفتند: "شما به حقیقتی خروج کامیون را گرفتید، اینها از وزارت بازرگانی اجازه خروج دارند و دادستان انقلاب نیز آنها را تایید کرده است." اما کارگران دلیرانه این اجازه نامه را بی اعتبار اعلام کردند و گفتند که این اموال به کارگران تعلق دارد و ما اجازه نمیدهیم که کسی آنها را بیرون ببرد و اگر شما عرض کنید ریزان آنها محافظت نکنید ما خودمان اینکار را میکنیم، لازم به یادآوری است که دادستان انقلاب صفهان ابتدا با این اقدام انقلابی کارگران مخالفت نموده ولیکن پس از مداخله اروپا فشاری کارگران مبارزه وی نیز خود را موافق کارگران نشان میدهد.

عوامل دست اندر کار شرکت نفت و مدیران فلور که وضع را چنین دیدند برای سرکوبی مبارزات کارگران اعلام نمودند که بعزت کاش کار تا چند روز دیگر حدود ۷۰۰ نفر از کارگران شرکت را اخراج خواهند کرد. حالیکه قبلاً مقامات استانی صدور واداره کار گرفته بودند که تا ۴ ماه آینده برای تمام کارگران استانی پرونده کار وجود دارد. کارگران که جروح با مقامات دولتی را بی فایده دیدند خود به تحصن بزرگی دست زده، ضمن اعتراض به اخراج عده ای از رفقای خود

در کا رخانه...
 ادا مدها شد تا اینکه بالاخره روز دوشنبه ۵ آذر کا رگران همگی دست از کار کشیدند. البته کمبود مواد هم یکی از علل کار نکردن بود. بعضی ها زیر لب زمزمه میکردند که اینطوری همیشه وبا یدتظارا ت کرد، ما هر بار که میخواهستند اقداما بینگا میکنند عدهای پیدا میشوند که بنای وعظ را گذاشته و جلوی کار رگران را میگیرند. این وضع تا روز شنبه ۱۰ آذر ادا مدها شد و کم کم که صبر کار رگران سربیز میشد. در این روز در یک مجمع عمومی شورای کا رخانه تلاش زیسادی کرد تا جلوی کار رگران را بگیرد و گفت که قرار است حاج مصطفی بیاید و کا رخانه را براندازد و وزارت صنایع و معادن خواهش کرده یکی دویز صبر کند حتما همه چیز درست خواهد شد. کا زفرما و عواملش و عنا صرا زنگا ر که برای العین میدیدند دیگر نمیتوانند جلوی کار رگران را بگیرند بعد از یکی دویز دیگر سعی کردند با پرداخت ۲۵۰۰ تومان بطور مسا عده بیهمه کار رگران تا حدودی سرپوش بر آتش خشم کار رگران بگذازند و بدنبال اینکار با ردیگر شروع کردند به تفرقه اندازی در میان کار رگران و اینکه در میان شما اغلالگران نفوذ کرده اند و باید آنها را از میان خود بیرون اندازید و دیدید که بدون اعتماد و تظارا ت هم میشود خواستها رسید و غیره.

بالاخره روز دوشنبه ۱۹ آذر کا رخانه منفر شد و آتش خشم یکبار چیه کار رگران گوشهای سازشکارا نیو و خاشا نه شورا در هم کوبید و یکساری افتند. شورا کار رگران را در دستوران کا رخانه جمع کرد و گفتند که قرار است یک نماینده از طرف اما مپیدا بینجا وبموضوع فیمله بخشد و در این هنگام ناگهان یکی از کار رگران فریاد زد: "کار رگرا بیان جلوی کار رگزیسی". ناگهان رستوران مثل بمب منفجر شد. کار رگرا از روی میزها سرعت بطرف درها رفتند و جلوی کار رگزیسی جمع شدند. بعلمه حاج آقا مصطفی بزور وارد کا رخانه شده و دویزرا زکا رگرا را نیزکتک زده و رفته توی کار رگزیسی. اینجا دیگر کار رگری نبود که فریاد نزنند. عده زیادی سرعت چوب وطناب گیر آورده بودند و جلوی در کار رگزیسی

فریاد میزدند و میخواهستند وارد کار رگزیسی شوند. شورا فوراً یک عده از کار رگران را گذاشت جلوی در کار رگزیسی که کار رگران داخل نشوند. اما مگر کسی جرئت کار رگران میشد. حتی کار رگرائی که جلوی در کار رگزیسی بودند بعضی وقتها کتک میخوردند. کار رگرائی بودند که از شدت احساسات و نفرت گریه میکردند و فریاد میزدند: "بدا زید بریم تو پدرشون رود بریا ریم". در این ضمن پاسداران وارد کا رخانه شدند و خود را بجلوی در کار رگزیسی رساندند و فریاد میزدند: "انها هم برا در شما هستند نبا بد آنها را بزنند". اما کسی جلوی کار رگرا را نمیتوانست بگیرد. حدود چهار صد کار رگر کار رگزیسی را محاصره کرده و فریاد میزدند: "مرگ بر سرما به دار". مرگ بر سرما به دار کا رخانه مطلقاً در اختیار کار رگران درآمده بود. یک عده الله اکبر میگفتند و کار رگران را تشویق به راهپیمایی در کا رخانه میکردند اما کسی گول نمیخورد. نماینده کمیته مرکزی فریاد میزد: "کار رگران دور کار رخانه زنجیر ببنند با آنها فرار نکنند". اما کار رگران میدادستند که این حرف توطئه است چرا که تا زمانی که آنها آنجا هستند کسی جرئت نخواهد کرد بیرون برود. کار رگران سرعت آهن هارا در سالن تراش کاری بصورت شمشیر در میآوردند و اکثر کار رگران با مجهز به چوب بودند و با مسلح به شمشیر. پاسداران مجبور به خروج از کا رخانه گشتند. کار رگران از کا رخانه پاسداری میکردند. در محوطه روی پشت بامها همه جا در کنترل کار رگران بود و رفت و آمد به کا رخانه توسط آنها قطع شده بود. وقت نماز نیز کار رگران گروهی میرفتند و کشیک با هم عوض میکردند. در این بین عنا صری سازشکارا ممل کمیته کار رگری پلی تکنیک خود را به آب و آتش میزدند که کار رگران را خا موش سازند و موفق نمیشدند. کار رگران با اندازه کافی صحبت های آنسان را شنیده بودند و دیگر آنهم در چنین شرایطی نمیتوانستند. یک ملا از کمیته آمد و گفت کار رگرا نمایان از این کارها بکنند و مورد تمسخر کار رگران قرار گرفت و از کا رخانه اخراج شد. مبارزه تا عصر ادا مدها شد و موقع رفتن کار رگران اعلام کردند تا وضع ما روشن نشود کسی از کا رخانه خارج نمیشود و همه کار رگران به قسمت پائین کار رگزیسی رفتند و تا شب شعار میدادند: "حاج مصطفی تا چها ر صبح وقت داری - کار مندها رو برداری - با توله هسات

دربری " و " مرگ بر سرما به دار - مرگ بر سرما به دار ".
 ساعت ۸ شب عوامل کمیته کار رگری پلی تکنیک آمدند و نا مدها حاج مصطفی را برای کار رگراان خواندند مبنی بر اینکه "من مدیریث کا رخانه را به امام خمینی موکول میکنم که ایشان خودشان تصمیم گیری کنند و کا رخانه در اختیار ما است". سپس از کار رگران خواستند به حاج مصطفی و توله هایش اجازه خروج دهند. کار رگران که فکر میکردند که کا رخانه واقعا ملی شده است و دیگر روی نفس حاج مصطفی را نخواهند دید با بین امراضا یت دادند اما با این شرط که حاجی از میان زنجیر کار رگران رد شود و بروی عوامل کمیته کار رگری پلی تکنیک زیر بار این پیشنهاد نمیروند. مبارزه کار رگران بر سر این مساله تا ساعت ۱۱/۳۰ شب ادا مدها یافت و بالاخره کار رگران در این پیشنهادها ۱۱/۳۰ ساعت ۱۱/۳۰ شب حدود پنجاه پاسدار وارد کا رخانه شدند که این حضرات را از کا رخانه بیرون بردند. کار رگران صف کشیدند و حاج آقا قدرت کار رگران

نفتگران مبارزان...
 شورو هیجان فبا رزائی آنها هستند. نفتگران دلیرایران نشان دادند که اگر دولت تصدازان و "شورای انقلاب" - چی هادربری معاشات و سازش و خنجر زدن به مبارزه مردم هستند. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران در بی تعمیق و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی میباشند. نفتگران یکبار ردیگر برچشم مبارزه استقلال طلبانه و آزادیخواهان را با قدرت تمام برافراشتند و از این رو قهرمانان سر مشق همه کار رگران ایران. همه خلقهای ستمدیده ایران و همه نیروهای انقلابی و مترقی جامعه اند. با شکر همه آزادیخواهان ایران در این مرحله حساس از مبارزه به این نفتگران قهرمان اقدام میکنید!

و عمالشان در میان پاسداران از میان صفوف کار رگران گذشتند. که البته گاهی اوقات پشت پا و فحش هم تمیضان میشد و بیرون رفتند. کار رگران نیز با امید اینکه دیگر حاجی بر نمیگردند ساعت ۱۱/۴۵ کا رخانه را ترک کردند.

قدرت کار رگران
 یکبار چه و متحد جمع نشویم و قدرت اتحاد خویش را عملا نشان ندهیم هیچ مقامی حاضر نباشد خواسته ایمان نخواهد بود پس در یکطرف ما باید قدرت خویش را عملا نشان بدهیم و از طرف دیگر به مذاکره بپردازیم. کار رگران همگی قرار گذاشتند که در صبح روز شنبه ۵۸/۹/۱۲ مجددا در مقابل اداره کار رگرا در شهر گرد هم آیند تا نمایندگان آنها نتیجه اقدامات خویش را به استماع آنها رسانند و سپس تصمیمات لازم گرفته شود.

صبح روز شنبه ۵۸/۹/۱۲ اجتماع با شکوهی از طرف کار رگران اخراجی در مقابل اداره کار رگرا در شهر با حضور عده کثیری کارگر تشکیل گردید. کار رگران از نقاط مختلف خوزستان جمع شده بودند و این نشان میداد که آنها به حقانیت امر خویش ایمان دارند.

در این اجتماع نمایندگان کار رگران گفتند که اگر ما در روز سه شنبه ۵۸/۹/۱۲ اجتماع نمیگردیم مقامات محلی هرگز بفرما نبودند و این تعجب آور نبود که با وجود اجتماع عظیم و فریاد اعتراض آمیز از این مقامات خبری نبود در حالیکه این خبر در سراسر خوزستان پخش شده بود و همین اجتماع یکبار چه بود که باعث گردید تا مقامات محلی از فرماندار گرفته تا رئیس دادگاه بخش، فرماندهان رزمی، بخشدار، رئیس اداره کار (روز سه شنبه) دیدن اجتماع کار رگران با ماشین سروته کرده بود همه سراسیمه شوند و بدو هم جمع شوند و بفرجه بیفتند و مقدم نمایندگان را در روز چهارشنبه ۵۸/۹/۱۵ در فرماندار تحمل کنند و به حقانیت ما اعتراض و بلافاصله آنها را به تهران مخابره کنند.

در این اجتماع کار رگری میگفت: "ما با دادن خون و نیروی کارمان تا سیات شیمیائی رازی را ساختیم و در این راه دهها کشته دادیم. در حالی که بهره آنرا آمریکا کتبا و سرما به داران وابسته میبردند. اکنون نیز انقلاب کردیم تا کسانی را که خون ما را می مکیدند از ریشه برکنیم و خون آنها را بریزیم. اینک این زالو صفتان همچنان در راس کاربمانند و نه مکیدن خون ما ادا مدهند ولی ما اعلام میکنیم که با اتحاد خویش و با قدرت یکبار چه خویش خون آنها را میزیم و حق خود را میگیریم". دیگری میگفت: "من دو فرزند خود را در جریان انقلاب از دست دادم تا حکومت خونخوا رشا سرنگون شود و حالا هم گریه خواسته ایمان سرسیم خود را ادا میکنم تا کلیه کسانی که سزاه گرفتن خواسته ایمان هستند از میان برداریم".

یکی از نمایندگان کار رگران گفت: "شاید از ما بپرسند که چرا در بقیه در صفحه ۱۲

اخبار کوتاه

کارگران بیکار، روزی پنجم ۱۵ آذر در شهرستان تربت حیدریه کارگران بیکار در مقابل فرمانداری جمع شدند و خواهان ایجاد کارگشتند. البته به دلیل پایین بودن سطح آگاهی این کارگران، اثری از خواسته‌های عمومی کارگران بیکار در شهرستان نندحق نگاری، دفترچه بیمه و... در میان نبود. در این میان فرمانداری سعی نکرد در مقابل یک حقوق بسیار نا-حسز که حتی کفای حوراک خود کارگران را سرزمین کرد آنها را بمنطق زلزله-زده بفرستد که کارگران زیر بار نرفتند.

۴ - یکی از تانک‌های ایستای نسیا رایج و مورد استفاده از طرف کارفرمایان در دوره اخیر، تفرقه انداختن در میان موقوف کارگران است. یکی از نمونه‌های آن در تاریخ ۱۷ آذر در کارخانه مینو صورت گرفت. روز شنبه ۱۷ آذر عوامل کارفرما در رستوران کارخانه شعار "مرگ بر خمینی" روی دیوار نوشتند و موقعی که کارگران برای آنها ربه رستوران وارد شدند، با این شعار روی دیوار رستوران رو بسرو شدند و در مقابل آن دست به راهپیمایی در محوطه کارخانه زدند و با شعارهای "مرگ بر کمونیست"، "مرگ بر چپ و راست"... تظاهرات کردند. در این راهپیمایی عده‌ای از عوامل کارفرما شرکت داشتند و در میان کارگران تبلیغ میشد که کمونیستها با شورای کارخانه همکاری میکنند.

۵ - روز شنبه ۱۷ آذر عده‌ای از اهالی منطقه خاک نمیدتهران پاریس در مقابل کمیته این منطقه دست به تظاهرات اعتراضی میزنند. این حرکت در مقابل چگونگی واگذاری زمین در این منطقه صورت گرفت. دادن زمین با شکل است که اگر کسی موفق به گرفتن آن شود با یستی حتما در آن خانه سا رد و البته با یستی ۷۵۰۰ تنومان هم بدهد و زمین نیز بدون آب و برق و تسهیلات در نقاط دور افتاده میباشد. در مورد دادن خانه هم که اکثرا از طریق معرف (پارتنری بازی) است که همه معرف نادر و مضامنا اینکه خیلی از خانه‌های شک و گران قیمت که صادر شده در اختیار آخوندها و آدم‌های خودشان قرار

بقیه در صفحه ۹

گزارشی از مبارزه کارگران کارخانه استار لایت

جی درجلساتی که با حضور شوراهای کارخانجات دیگر و شورای استار لایت بود حقا نیت مبارزه خود را بر علیه شورا و کارفرما روشن کردند. آنها حتی به وزارت کار، شورای انقلاب و با صلاح مقامات دولتی نیز رجوع و شکایت نوشته بودند، اما با تجربه کارگران نخ زرین و عملکرد ضدا نقلیه بی کمیته ۱۴ روشن بود که تما می بین ارگانها تنها و تنها طرفدار سرما به-داران هستند. یک روز که کارگران بلاکاردها شئی در دست داشتند و خواسته‌ها و گفته‌هایشان را با کارگران داخل درمیان میگذاشتند کمیته دیوبیه رهبری بوکاشی (ملا) با ژ-۳ و کلت آنها را دستگیر و به کمیته بردند. بعد از بازگشت از کمیته کارکنان به مبارزه ادامه دادند. تنها بخاطر آنکه برای کارگران داخل روشن کنند که آخراج کارگران خواست کارفرما و دولت حامی سرما به دار است.

بقیه در صفحه ۱۵

سج زرین ...

نشان دادند که یکی از کارگران مبارز از فرط نفرت و خشم آنچنان سرخود را بادیوار میگوید که صورتش غرق خون شده بود و همه این اتفاقات در جلسوی چشم شکرچیان بی شرف و کارفرما و هاشمیان بود.

روز شنبه سوم آذر که قاعدتا میبایستی انتخابات شورا برگزار میشد در کنار شرکتی های کارفرما، چپ روی برخی از کارگران مبارز مساله دیگری در کارخانه پیش آورده همانا شورا بود منحرف گردید و دیگر همانا شورا شد. فردای آن روز یعنی چهارم آذر حقوقها پرداخت گشت اما عقب افتاده‌های دوران اعتصاب کارگران پرداخت نشد که مورد اعتراض کارگران قرار گرفت.

اما هنوز مبارزه ادامه داشت. کارفرما و عواملش هنوز در پی تفرقه درمیان کارگران بودند و تانکهای مختلف برای انجام مقصود خود سکار میبردند. مثلا در روزی زدهم آذر یک دزدی ساختگی ترتیب دادند و شایع کردند که تعدادی کاموا به دزدی رفته و باید دزد را پیدا کرد. هدف از این برنامهی اعتمادی انداختن بین کارگران و متشنج کردن اوضاع بود. در مقابل کارگران آگاه در پی مستحکم کردن وحدت خود در مبارزه بودند و با یکتا دادا میبایدند و میدهند.

که دولت در دستور کارش قرار داده بود بوسیله عواملش شورا، کارفرما بجای آنکه عنا مرسا و اکی و ارتجایی، امثال حکیمی ها (رئیس کارگری) که تما می کارگران خواستار واچاش بودند پا کسای شونند. کارگران مبارز را پا کسای کردند.

توطئه آخراج کارگر بدست کارگر توطئه است که در مورد کارخانه نخ و قو قره زرین و بقیه نیز جرمیشود. کارگران آخراجی فهمیدند که با یست این توطئه در هم شکسته شود. بنا بر این فعالیتهای زیادی کردند. آنها در تمام مدتی که روی خاک در مقابل کارخانه نشسته بودند برای تماس با کارگران داخل و بقیه کارخانجات برنامهریزی میکردند، با کارگران نخ زرین صحبت میکردند و مبارزه اتقان درس میگرفتند. تهنه راه شکستن توطئه، آگاه کردن کارگران داخل کارخانه بود. با اعلامیه، تماس با کارگران بیکار و غیره و هر روز طرفدارانی در کارگران داخل پیدا کردند. البته شورا و کارفرما آرام ننشسته بودند و بوسیله عواملشان جوی را در کارخانه موجود آورده بودند که کمتر از حکومت نظامی از هاری نه بود. کارگران را در سرما از سرویش بیا ده میکردند و آنها را از سرما بیا نفتیش میکردند، کارگران نبایستی در غذا خوری و موقیع کار راجع به کارگران بیرون صحبت کنند، اجتماع بیش از سه نفر ممنوع بود، شورا و کارفرما گفته بودند که هر کس به دفاع از بیرونیها بلند شود آخراج خواهد شد.

توس از بیکاری در شرایطی که هزاران بیکار در پشت درهای کارخانه وجود دارد باعث میشود که کارگران حرکت متحدی برای دفاع از ۲۶ نفر نکنند. (آنقدر جو خراب بود که یک نفر کارگر آشیخانه که به آخراجیها جاشی داده بود آخراجش کردند). در آخر نما لبیت شبانه روزی بعد از چند روز عده ۲ نفری از کارگران به هواداری از کارگران آخراجی و اعتراض به شورای بلند شدند. اعلامیه‌ای در داخل کارخانه درجایت از آنها نوشته شده بود که اگر کارگران آخراجی برنگردند کارخانه را به آتش میکشند. کارگران زمانیکه صبح هادرما خواهان آخراجی خود را در بیرون میدیدند، تا شیرا اعلامیه‌ها و همه و همه جورا برای حمایت از کارگران آخراجی آماده میکرد. از طرف دیگر کارگران آخراجی

بعد از ۲۷ روز مبارزه با لایحه ۲۱ نفر از کارگران زن کارخانه استار لایت بخاطر اینکه میگفتند "تنها بیکار آخراجی گردید"، توسط شورای فدکارگری، کمیته و کارفرما آخراج شدند.

ما چرا! بنظر بود که دو نفر از کارگران در روز ۲۱/۹/۵۸ مواجه با این میشوند که کارت‌هایشان نیست. زمانیکه به کارگری میروند، به آنها گفته میشود که دلیل این امر غیبت بیش از حد آنها بوده است. اما این ظاهرفقیه است چرا که در اصل شورا و کارگری از مدت‌ها پیش یستی ۴۵ نفر از کارگران آگاه تهیه کرده بود و قصد داشت که بی سروصدا کارگران مبارز را آخراج کند. این دو کارگر نقش فعال در مبارزات درون کارخانه (در مورد اعتبار غذا در اعتراض به کیفیت غذا، بیرون کردن سرپرست سابق، گرفتن مرخصی تابستانی برای کارگران جدید، اعتراض به نحوه انتخابات شورا و قلابی بودن شورا و...) داشتند و شرکت کارگران در این مبارزات به آنها آموخته بود که نگذارند خواسته‌های کارفرما و شورا عملی شود.

بنا بر این آخراج این دو کارگر چیزی بیش از یک حرکت فدکارگری نبود. با اطلاع از این مسئله، ۲۴ نفر به دفاع از این دو کارگر در مقابل کارگری اجتماع میکنند. همزمان با این حرکت عوامل کارفرما (معبودی) و نماینده زنان (ملوک خانم) به میان کارگران کارخانه رفته و آنها را بر علیه این ۲۶ نفر تحریک میکنند گویا که این عده می-خواهند تولید کم شود و کارخانه بخوابد. کارگران نیز که از ما جرای اطلاع نداشتند به بیرون ریخته و با شعار "مرگ بر منافق" کارگران را از محوطه بمانکتک و زور بیرون میاندازند. نقشه کارفرما و شورا مبنی بر پاکسازی و آخراج کارگر بدست کارگر عملی میشود. اگر طبق معمول قرار بود کارگران مبارز زنده بمانند و آنهم بدست کارگری و کارفرما آخراج شوند، اینبار همه آنها و بدست کارگران "بیسرون" انداخته شدند و نتیجه اینکه: اول کار فرما نقش در آخراج کارگران نداد و گویا تما درون کارخانه بین کارگر و کارفرما نیست. حربه جدیدی که دولت و سرما به داران در کارخانه‌ها استفاده میکنند. و تنها پاکسازی

پیام به مردم عشایر

زحمتکشان عشایر:

مردم ستمدیده، ما که سالیان در آزار است مورد ظلم و ستم خوانیمن و نشودالهای خونخوار و غارتگر قرار گرفته اند طی سالهای گذشته همگام با سایر زحمتکشان میهنمان در مبارزه بی امان علیه رژیم منور پهلوی و اربابان آمریکا شیش شرکت کردند تا اینکه با قیام شکوهمند میهن ما طومار رنگین رژیم پهلوی در هم پیچیده شد. سرمایه داران، خوانین و مالکین وابسته با امپریالیسم آمریکا که با سرتکون شدن رژیم شاه منافع خود را در خطر میدیدند هر روز در گوشه ای از میهنمان دست به توطئه تازه ای زدند تا بدینوسیله به غارت و چپاول زحمتکشان و سلبه اربابان خود ادا مدهند و دیدیم که در نطقه و ترکمن صحرا، کردستان و... چگونه فجایعی آفریدند و چگونه زحمتکشان میهنمان را در این مناطق به خاک و خون کشیدند. هم اکنون در گوشه ای از میهنمان خوانین قشقایی بخصوص خوانین قشقایی دره شوری دست به اچا دچنین توطئه های زده اند تا با ردیگر مردم ما را زیر بار ظلم و ستم خود قرار دهند. مردم زنجیده دره شوری که پیوسته مورد ظلم و ستم این خوانین خاشن بوده اند بعد از قیام اقدام به بازپس گرفتن مقداری اراضی و مراتع غصب شده خود کردند تا دیگر مثل سابق آوار و سرگردان نشوند. اما مالکان و کلانتران این منطقه برای اینکه مردم دیگر نمیخواهند مثل سابق زیر بار ظلم و ستم آنها بیرون بروند بر علیه مردم شروع به توطئه کردند. این خوانین ما هیتشان بر همه روشن است از جمله زیادخان، زکی خان، امان الله خان، محمد حسن خان، جهانگیرخان، صفرقلی خان، چنگیزخان، بهرام کیخاهاثی و... همه آنها که از آبادی رژیم شاه و از جاسوس های سازمانهای سیا و ساواک و بیوند و از خون مردم تغذیه میکردند خوب میدانند که مردم دیگر هرگز اجازه خاشن و چپاول را به آنها نمیدهند و از اینروست که به آخرین تلاشهای مذبحو خاشنه خود دست زده اند. ما به اطلاع هم میهنان مبارز و آگاه میرسانیم که خوانین عشایر و در آس آنها خسروخان قشقایی مزدور آمریکا تدارک توطئه بزرگی را در جنوب می بینند که نقطه آغاز آن مناطق دره شوری است و بی شک اگر موفق شوند این توطئه ها را در تمام مناطق عشایر و جنوب ادا مدهند. خسروخان قشقایی این سرسپرده امپریالیسم آمریکا که بعد از قیام مردم به ایران آمد تا دوباره به اعمال قدرت در جنوب و خدمت به اربابان خود ادا مدهد از همان ابتدای ورود خود خوانین و کلانتران عشایر از آنجمله (سهراب خان کشکولی، منگورخان باشتی، کلانتران دره شوری و سایر خوانین و نشو- دالهای قشقایی) را دور خود جمع کرده و به مسلح کردن آنها پرداخت. او با یک کشتی اسلحه برنگه آلمان وارد کرده بود نتوانست همه خوانین و کلانتران را بخوبی مسلح کند. همچنین او ایادی رژیم گذشته چون منوچهر نجفی، شاه حسین کری، حبیب خان کرگین، ایازخان و جهانگیرخان دره شوری و... که همه در ساواک خدمتگزاران و آمریکا بودند مورد حمایت و همیاری خود قرار داد. خسروخان همچون گذشته سودای تشکیل یک قلمرو فرما نروائی و خاشن در فارس را در سر می پروراند و برای تحقق بخشیدن به این عمل آید همدستان او بجز خوانین و نشو دالها می توانند باشند و بهمین خاطر است که کلانتران دره شوری را بر ضد مردم محروم بسیج کرده اند.

زحمتکشان عشایر و روستاهای جنوب، هم میهنان مبارز: خوانین دره شوری اینک با تمام تجهیزات خود در منطقه ما حضور میلاتی مستقر شده اند تا جنگ خونینی را بر مردم ستمدیده ما تحمیل کنند و با حمایت از سایر خوانین عشایر و در آس آنها خسروخان مزدور مردم ما را سرکوب کرده و بزعم خود دوباره به ظلم و چپاول مردم زحمتکش ادا مدهند. ولی آنها کور خوانده اند. آنها امروز با مردمی متحد و یکپارچه روبرو هستند که اتحاد دومبار را انقلاب بقیه در صفحه ۱۸

گزارشی ...

در بخشی از ۲۶ نفر اخراجی از ابتدای مبارزه نظریه را ستروانه ای وجود داشت. این عده میگفتند "از اول نمی بایستی به دفاع از ۲ نفر بلند میشدیم چون تمامی کارگران آگاه نیستند." و اخراج را توطئه کارفرما و شورا نمی دیدند. رشادین نظریه تا بدنا کشیده شد که هر زمان که شورا و کارفرما در مقابل مبارزه متحدانه آنها می خواستند تفرقه بوجود آورند. از قبیل "تهدادان" "اینکه بیکه بیگنا هستند میتوانند بر گردند" - این انحرافیسون در مقابل خواست شورا و کارفرما گرنش کرده و تا بدنا نجابیش رفتند که عده ای به سرکار برگشتند و سراسر انجام میان نظرات راست طبق معمول تا به آخر نماندند، عده ای استعفا دادند و سر دسته این نظریه با تعهد به داخل رفت، اما بقیه که اکثریت بودند تا به آخر به مبارزه خود ادا مده دادند.

براشرفا لیتها و پیگیری کارگران اخراجی در مبارزه خود، درون "شورای استارلایت" اختلاف فاتی بوجود آمده عده ای عناصر مدق به دفاع از آنها بلند شدند که عوامل کارفرما به یکی از آنها که تا زه زسفر حج برگشته مارک "کمونیست" زدند و دیگری تهدید به اخراج شد.

کارگران اخراجی در جریان مبارزه چهره سازشکار و خیانتکار حزب توده را از طریق عملگردهای چند توده ای که در این کارخانه کار میکنند و در رأس امور هستند میدیدند. از کارفرما (معبودی) که همیشه روزنامه "مردم" میخواندند رئیس کارگزینی که کارگران خواهان اخراجش هستند، رئیس حسابداری، سرپرست آشپزخانه و مخصوصا آقای وزیر که رهبری شورا را هم در دست دارد و مستقیما کارگرها با او روبرو بودند همه ما هیت سازشکاری و خیانت پیشگی خط حزبشان را با تمام حقه با زیبا که انا میدادند و با مبالغه خود را طرفدار طبقه کارگر جانی زد، به پیش میبردند. اما متأسفانه بخاطر نا آگاه بودن کارگران و سیاست تسلیم طلبانه ای که عناصر حزب توده سالها در درون این کارخانه بوجود آورده بود و شرایط خفقان، ترس از بیگاری، فقدان تشکیل در

کارگران داخل - کارگران اخراجی نتوانستند حمایت عملی کارگران را بدست آورند.

با لاخره بعد از ۲۷ روز مبارزه روز ۵۸/۹/۱۷ شورا و کارفرما با آوردن کمیته دیوژن - ۳ به دستا نش آنها را عملا خراج کردند. کارگران زمانی که آنجا را ترک میکردند میگفتند "دیروز در ساواک، امروز در کمیته" ما که با یکی دو تا سرمایه دار روبرو نیستیم ما با دولت سرمایه دار روبرو هستیم. " با زهم مبارزه ادامه داده که که به بریم با سرمایه دار هست اما ما باید محکم ترجموی آنها ایستاد" اگر ما نتوانستیم به سرکار برگردیم لااقل شورای غیر واقعی خود را بسسه شورا های کارخانجات دیگر شناساندیم. و "مرگ بر حزب توده".

اما برای کارگران آگاه استارلایت در جریان مبارزه ایمن واقعیتها روشن شد:

۱- حربه جدید کارفرمایان و دولت "اخراج کارگر بدست کارگر" را شناختند.

۲- وزارت کار، کمیته همان ابزاری است که کارفرما برای سرکوب مبارزه کارمیان برانداز با ۳۳ "وزارت کار" کارفرما از هر کاری خوشش نیاید اجازه ردهای ردهای کمیته (ساواک سابق) روبرو هستند آشنا شدند.

۳- تنها و تنها اتحاد و تشکیل کارگران است که میتواند پشت سرمایه دار و حاکمان آنها دولت را به خاک بماند.

۴- یاران خود را در کارخانه های دیگری فتنه و دیدند که بصورت یک طبقه در مقابل سرمایه دار و دولت هستند.

۵- نیروهای انقلابی و حاکمان میان خراج کارخانه را در رابطه با کار خود مثبت دیدند.

۶- نقش شورای غیر واقعی کارگری استارلایت را دیدند که در حرف و عمل همدست کارفرماست.

۷- نقش حزب توده درون کارخانه و همراهی آنان با سرمایه داران. ۸- شناخت عملی از خطوط سازشکار و کونو میستی که بهیچوجه نمیدانند دلیل حضورشان در میان کارگران و کارخانجات چیست و حتی حاضرند روی پای کارفرما بیفتند که به آنها اجازه حضور در کارخانه بدهند که به زندگی آرا میسای خود در کارخانه ادا مدهد و کوس تبلیغات آنها بر سر دیگران بزنند.



دهها هزار گشته، صدها هزار زخمی، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

نفتگران مبارز، این مبارزان خستگی ناپذیر، این نیروی سازش ناپذیر، این فرزندان خلف حیدر و ستار، این بانیندر جلوصف رزمنده، ملت ایران بر علیه آمریکا و دیگر امپریالیستهای پیکار خواهند کرد.

تاریخ ننگین امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستهای مشحون از جنایتها، سرکوبی، خلقها و غارت و چپاول ملل تحت ستم از طریق کودتاها و بیگانه راندن دیکتاتورها بر سر نوشت ملل است.

خلقهای قهرمان ما و بخصوص کارگران رزمنده ایران با پشت سر گذاشتن انقلاب مشروطه، با یادآوری کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲، با درگیری از مبارزات قهرمانانه خلق ویتنام و دیگر خلقهای جهان این بار بیش از هر زمان و آماده تر از هر زمان میروند که پیکارهای واقعی با امپریالیسم و خصوصاً امپریالیسم آمریکا را به سرانجام برسانند. اگر ملت قهرمان ویتنام با سربرد دلیرانه اش توانست کمرا امپریالیسم آمریکا را خرد کند، ملت ما امپریالیسم آمریکا را برای همیشه در ایران دفن خواهد کرد و بدینسان وظیفه تاریخی خود را نه تنها در مقابل میهن مان بلکه در برابر خلقهای تحت ستم دنیا، انجام خواهد داد.

ما از کلیه کارگران دلیر و شجاع میخوانیم که با همکامان خود و با همکاران با افشاکاری وسیع جنایات آمریکا در ایران و جهان، با روشنگری و بیعت آگاهانه در نشان دادن ماهیت و عملکرد امپریالیستهای و با بردن خواسته های واقعی مردم ایران در بین کارگران، به عرصه وسیع و سنگر اصلی مبارزه صدامپریالیستی تبدیل کنند. مشروعیت و مشروعیت و عناصر سازشکار و تسلیم طلب سیاستهای ضد مردمی که از طرف هیئت حاکمه اعمال میشود و قانون اساسی ارتجاعی را افشاء کنید و شورانقلابی را با اگاهی انقلابی درهم آمیزید و بدینوسیله سیاستهای سازشکارانه و تسلیم جویانه با امپریالیسم و سیاستهای سرکوبگرانه خلقها را خنثی نمائید. انقلاب سوم ایران تنها با شکل آگاهانه و رهبری کارگران است که میتواند امپریالیسم آمریکا را برای همیشه در ایران دفن کند. بدینوسیله ما کارگران به همراه همه مردم ایران این خواسته ها را مطرح میکنیم:

- ۱- با زکرداندن شاه سابق و خانواده اش و اموال آن.
 - ۲- انشاء و لغو کلیه قراردادها و شاه سابق و دولت موقت با آمریکا.
 - ۳- ملی کردن کلیه سرمایه های خارجی، بویژه سرمایه های آمریکایی.
 - ۴- اخراج کلیه جاسوسان و کارکنان آمریکایی.
 - ۵- دگرگونی و تصفیه بنیادی کلیه ارگان کشور، بویژه ارتش.
 - ۶- زمین برای دهقانان و مزارعین، املاک مالکین بزرگ و موقوفات کمپرادور.
 - ۷- خودمختاری واقعی برای تمام خلقهای ایران.
 - ۸- آموزش نظامی همگانی.
 - ۹- اتخاذ سیاست خارجی قاطع ضد امپریالیستی.
- نا بود با امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!
 پیش سوی ملی کردن کلیه شرکتها و حفاساری!
 بر حروش ستم دزدان نفتگران!
 گروهی از کارگران صنعت نفت (هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران)
 اهواز - ۲۵ آذر ۱۳۵۸

کاربا استفا ده از موقعیت مناسب گفت از آنجا شیکه اکثریت مخالف شورا هستند با پستی رای اعتماد گرفته شود. سعی آنها بی اعتبار کردن شورا و انحلال آن بود بخصوص که با تحریکات زیاده و البته کمکهای فرد "انقلابی" که قبلاً ذکرش رفت موفق شده بودند جبهه نسبتاً وسیعی در کارگران در مخالفت با شورا بوجود آورند. درکنار این کارها شکرچیان با استفا ده از فشاری که این مدت روی کارگران بوده است و عده داد که مسئول امور مالی کارفرما مواد اولیه وارد خواهد کرد و همچنین حقوق کارکنان نیز پرداخت میکند.

سعی مدیر جدید - شکرچیان - این بود که شورا را منحل کرده و بسودن وجود شورا و به تعویق انداختن تشکیل همکاران بیشتر را به وسیله تظلم کردن و اینکه راه نجات را او میداند بطرف خودش جلب کند و همکاران مورد نظرش را اخراج کند. در مقابل کارگرانی که متوجه این توطئه شده بودند سعی داشتند که در صورت فقدان رای اعتماد کافی شورا در همان روز تجدید انتخابات شود. دو باره تشکیل گردد. بهرحال شکرچیان برای تفرقه هر چه بیشتر در بین کارگران این سؤال را مطرح میکند که "چه کسی با فروش جنس در این روز - اول آذر - و گرفتن حقوق در روز شنبه سوم آذر موافق است؟" که البته شرط آن تحویل بدون قید و شرط کارخانه به شکرچیان بود. تعداد زیادی از کارگران موافقت کردند اما در مقابل توطئه بعدی شکرچیان که میخواست اسم این کارگران را بنویسد و بعد بطور جداگانه با آنها صحبت کند با مخالفت کارگران روبرو گشت و این کارش شکست خورد. در این میان عوامل کارفرما بگوش خود در متشنج کردن جلسه شدیداً ادامه میدادند و پیگیرانه میان کارگران سرخورد بوجود میآوردند که هر چه بیشتر تفرقه را در جمع نفوذ دهند. در اینجا کارفرمای جدید به همراه همکاران نماینده وزارت صنایع و معادن وارد شدند و آنها نیز بنبوبه خود شروع به موعظه و نصیحت نمودند. زمانیکه همکاران کارگران را به صبر دعوت میکرد و از آنها میخواست که روزه بگیرند، از کارگران این جواب را گرفت که "تو خودت اگر یک روز زنان و ما ست بخوری وزارت صنایع و معادن را بهم میریزی و در شانیه اون کراوات شما قیمتش ده برابر قیمت نهاری است که من میخورم". بعد از این صحبتها رای اعتماد گرفته شد و شورا منحل گشت اما

مبارزه فد... خواستار ملی شدن این شرکت آمریکا... می شدند. کارگران برای اداره امور و جلوگیری از اخراج رفقایشان شب را همگی در محل شرکت صبح کردند. البته آنها قبل از این تحصن با شکوه اقدام به تظاهرات و راهپیمایی بر علیه امپریالیسم آمریکا با شعارهای "مرگ بر آمریکا، سرمایه دار دشمن انقلاب است، پتو بدست پیروز است، آمریکا نابود است... نمودند. سپس اعلام کردند که در صورت عدم موافقت با خواسته هایشان آنان از محل شرکت (دره ۲۰ کیلومتری اصفهان) با انیفورم کارگری بطرف شهر اصفهان راهپیمایی خواهند کرد. استانداری و مقامات دولتی زمانی که خود را با فشاری وجدیت کارگران مواجه دیدند اجباراً برخی از خواسته های کارگران مانند لغو موقتی اخراج کارگران را تقبل نمودند. خواسته های کارگران شرکت فلورهما ننند دیگر برادران کارگران عبارتند از ملی شدن شرکت، زمین برداشتن واسطه ها و دلالت و همچنین جلوگیری از اخراج کارگران. کارگران در این مبارزه متحدشان توانستند برخی از خواسته های خود را گرفته و مبارزه برای گرفتن کلیه حقوق خود و همچنین مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا را در عمل به پیش برند.

نخزین... کار را قبول نداریم و از نظر ما ماده ۳۳ هم طاقوتی است و بان گردن نخواهیم گذاشت. پس از اینکه زبان نماینده وزارت کار بدین طریق بریده شد، مدیر عامل (شکرچیان) که از فامیلهای کارفرماست (شروع به صحبت کرد، او می گفت که من نه از طرف کارفرما هستم و نه از طرف کارگران بلکه بخاطر دلسوزی! آمده ام که میانجی شوم و کارخانه زودتر شروع بکار کند و در اینجا کسانی هستند که از طرف آمریکا پول میگیرند که جلوی تولید و برآورد افتادن کارخانه را بگیرند. کارگران با این صحبت اعتراض کردند و جلسه هما نظور که عوامل کارفرما میخواستند شلوغ شود بین کارگران مخالف و موافق بگومگود گرفت. نماینده وزارت

وقتی عوامل کارفرما اصرار کردند که شورا بعداً انتخاب شود با مخالفت کارگران روبرو گشت و بالاخره موافقت شد که شورا در همان روز انتخاب گشت. انجام شود. اما عوامل کارفرما که

قدرت کارگران

این موقع که مبارزه ضد امپریالیستی در کشور ما علیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا در جریان است شما دست به انجام چنین اجتماع عیّزده‌اید؟ ما در جواب این سؤال می‌گوییم، که این مبارزه برحق ما از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا جدا نیست و درست بخاطر وجودوا پستیگیهای ریشه‌ای به امپریالیسم آمریکا است که ما نیز نتوانسته‌ایم به این خواسته‌ها بیما برسیم و هنوز قانون کارها هنوز حق ما را محترم است و تا زمانیکه این وابستگی بطور ریشه‌ای قطع نشود دست کارفرمایان، مفاطعه‌کاران و سرمایه‌داران را وابسته‌اند از امور مملکت ما کوتاه نگردد حقوق حق ما تا مین نخواهد شد و شورای حل اختلاف نیز حافظ و عامل قانونی است که جهت خدمت به امپریالیسم و وابستگیان داخلی خلیش نوشته شده است. این نماینده کارگران ما مدعا و گفت ما اعلام میداریم که ما سندهمیشه در صورت اول مبارزه ضد امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا خواهیم بود و خلیج فارس را به گورستان سربازان آمریکا می‌بدل خواهیم کرد.

کارگران خواستار حضور فرماندار بودند تا وی حضوراً در مقابل آنان برحقا نیتشان تا کیدنما بدونه در اطرافهای در بسته با صدور فرمان مین خشک و خالی وقت بگذرانند.

با آمدن فرماندار کارگران علاوه بر طرح خواسته‌هایشان و اراشه قطعنامه بوی تنفرو نزجا روکینه طبقاتی شدید خود را در مورد رای صادره از طرف شورای حل اختلاف ما شهرا اعلام کردند و یکی از کارگران روهوی کرده و گفت که چنانچه موثی از سر نمایندگان ما کم شود مسئولین امر را مقرر شناخته مسیبین را بنیدترین وجهی مجازات می‌نمایم و تا پای جان از نمایندگان خویش دفاع می‌نماییم. کارگران خواستار اقدام فوری از طریق وی شدند و اعلام کردند چنانچه طرف دوهفته آینده نتیجه‌ای نگیرند نتیجه اقدامات را از طریق سندیکای کارگران پروژه‌ای (فصلی) آبادان و حومه تا سطح شهران بررسی و اقدام لازم بعمل خواهند آورد.

اعلامیه زیر در این گروه‌آئی خوانده شد:

بسمه تعالی

وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی
"شورای عالی کار"

چون رای حل اختلاف اداره کار ریندرخمیسی (شاهپور سابق) در تاریخ ۵۸/۹/۱۲ مبنی بر مردود شدن مزایا و مطالبات قانونی و برحق ما کارگران اخراجی شرکت استون وبستر (طرح توسعه شیمیائی رازی) بر خلاف عدالت و موازین انقلابی است و این رای از طرف اعضای شورای حل اختلاف با استناد به بخشنامه‌های شماره ۶۰۷۵ و ۲۶۷۲۲/۵۸/۵/۲۵ صادر گردیده است بدلائیل مسروحه ذیل این رای معتسر نخواهد بود:

۱- صدور رای شورای حل اختلاف مغایر با انقلاب اسلامی و مخالف مصالح مملکت و مردم است.

۲- در سطر گرفتن حقوق حق ما کارگران با استناد به قانون نقد کاری شاهنشاهی منحوس و زایل کردن آن عملی ضد انقلابی است.

۳- طرفداری و حمایت یکجانبه شورای حل اختلاف از کارفرمایان خارجی و شرکت شیمیائی رازی (شاهپور سابق) به معنای زیر پا گذاشتن حقوق ما است.

۴- علیرغم درخواست ما کارگران در مورد اراشه مدارک مثبت و لیست پرداخت حقوق و مزایا و مطالبات از طرف کارفرما، شورا بدون در دست داشتن مدارک مذکور مدت‌ها در صدور رای معوده است.

۵- استناد به سرتبعیکی (گواهی کار) که در رژیم گذشته شرکتها و نییما کارکنان و ایسه از قبل تهیه میکرده و کارگران در آن شرایط صبراً و ادا رها مضاء یا اشرانگشت بدون تشخیص مین و

محتوای نمودند از نظرا اصول و عرف و قانون حتی طاغوتی و قرون وسطائی از درجه اعتبار ساقط است.

۶- حق ایاب و ذهاب که میبایست معادل ۴ ساعت مزد روزانه پرداخت شود در این خصوص با اعتصاب یکپارچه از طرف ما و سایر تهدیدسرتبیزه به حمایت کارفرما از طرف دیگر، شرکت ناگزیر به پرداخت ۱۵٪ از کل حق ایاب و ذهابمان گردید و شورا با استناد به رای صادر نموده است که برخلاف حق و حقیقت است.

۷- کسور بیمه و مالیات از ایام مرخصی در هیچ قانون و هیچ مواطی کنجانه نمیگردد.

۸- استناد به بخشنامه‌های فوق الذکر بدون اطلاع و درج در رساله‌های گروهی بطور محرامانه بدون توجه به شرایط انقلاب و دوران فترت به ادارات کارشهرستانها ابلاغ گردیده که چون تعیین مهلت یکجانبه بوده است از طرف ما مردود شناخته میشود.

۹- در هیچ مرجع و هیچ قانونی بخشنامه‌ای نمیتواند یکی از مواظبات قانون را نقض نماید لذا استناد شورای حل اختلاف به بخشنامه‌های شماره ۶۰۷۵ و ۲۶۷۲۲/۵۸/۵/۲۵ دال بر محدود نمودن اقدام دعوی میبایست نمیتواند ماده ۲۲۷

آئین دادرسی مدنی را که در سال ۱۳۴۱ تصویب و طی بخشنامه‌ای در سال ۱۳۴۹ شورای حقوقی وزارت کار آنرا منتشر نموده است بدین مضمون که آنچه را که عنوان حق پیدا میکند مرور زمان آن ده سال است نقض نماید و این علاوه بر اینکه حقوق ما را با یمال نموده است نقض همان قوانین گذشته سیزمیباند.

ما کارگران، پیرو مذاکرات نمایندگانمان با آقای فرماندار و سایر مقامات بندر ما هشرو تا کید آنها برحقا نیت ما، در این گروه‌آئی در مقابل اداره کار بندر ما شهرا اعتراض خود را با صدای رسا نسبت به مدور این رای طالمانه به گوش مقامات مسئول بویژه شورای عالی کار رسانده و خواستار نقض فوری رای صادره میبایسیم.

سندیکای کارگران پروژه‌ای (فصلی)

آبادان و حومه

۱۳۵۸ / ۹ / ۱۷

بسمه تعالی

تاریخ ۵۸/۹/۵

با ردیگر خلق یدیکی از شرکتهای غاصب و غارتگر امپریالیسم بدست توانای نفتگران حفاری سدکود سدابیران به مرحله عمل درآمد. نفتگران مبارز شرکت حفاری سدکود سدابیران (یکی از شرکتهای حفاری نفت آمریکا) با نقش موثر و قاطع خود در مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم وطنمان توانستند همدوس و همگام با سایر زحمتمکشان درواژگونی حکومت فاسد پهلوی سهمی بس عظیم داشته باشند.

کارگران حفاری که تحت ستم و استمنا رشدید و شاه هدیه بیعنا سردن منابع سرشار نفت این ثروت ملی ما و همچنین اعمال قدرت و سلطه بیگانگان بوده است بدیگرترین و آشتی‌ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم است.

اکنون که ده ماه از انقلاب شکوهمند خلقهای ما میگذرد، کارگران خودمبارت به اعتصاب قهرمانانه نمودند و اموال شرکت حفاری سدکود سدابیران را که با هزینه و دسترنج ما ایجا گردیده بود و آمریکاها آنرا، ما مملکت خود میدادند ستمی اعلام و صریحاً آنها را به این شرکت چپا و لگن امپریالیستی وارد نمودند و شورای کارکنان این شرکت نیز برای همیشه بساط غارتگری شرکت حفاری سدکود سدابیران را برچیدند و با تاسیس شرکت ملی حفاری نفت ایران اداره آنرا بدست خود گرفتند.

ما کارگران پروژه‌ای آبادان از این عمل قهرمانانه و قاطع و ضد امپریالیسم، همزمان خودبشتیبانی نموده و سه‌آنها و همه مردم تحت ستم ایران تسریک و نهسیت می‌گوییم.

ما سوداها امپریالیسم را روجها نخواهیم آمریکا
منحکم با اتحاد کارگران و زحمتکشان ایران
نیرو را دمبارز با ضد امپریالیسمی حلقهای
ایران

سندیکای کارگران پروژه‌ای (فصلی) آبادان و حومه

به عشا پیر...

تا همین اواخر این خان ارتجاعی و مفتخور حقّ صدی سه از عشا پیر با صری زیر سلطه خود میگرفت در حال حاضر حسنعلی ضرغامی در منطقه مشهد مرغاب مالک حدود ۱۲۰۰۰ هکتار زمین است. هزاران عشا پیر در هفتان زحمتکش در این منطقه با زمین نادرند و با کم زمین هستند ولی یک فرد ظالم بدون این که دره‌ای از عمرش عرق زحمت کشیدن ریخته باشد هزاران هکتار زمین دارد. ولی ظلم و تاج و زهای حسنعلی خان به این جا ختم نمیشود. بسیار رگسان زحمتکش بودند و هستند که بدستور این مالک و خان پست به فلک کشیده اند. هستند زحمتکشانی که بخاطر شکنجه و بی‌حقوق بستن های حسنعلی خان فلج شده اند. امسال زنان زحمتکش در مزرعه های چند حسنعلی خان در زیر آفتاب داغ و سرما از صبح زود تا تاریکی چندین بار کرده اند و هر روز ۱۵ - ۱۲ ساعت کار میکرده اند و روزی ۱۵ تومان میگرفته اند. حسنعلی خان حاصل دسترنج اینان و دهقانان را یعنی ۳۰۰۰ تن چندین باره مبلغ ۱/۵ میلیون تومان به جیب زده است. حسنعلی خان که خود یک چندین باره پزند کرده و بسک بیل در زمینهای چندین روزه حاصل دسترنج روزها و ماهها زحمت زنان و مردان زحمتکش را به غارت برده است.

عشا پیر زحمتکش با صری! دهقانان غیور! دیگر نباید گذاشت این مفتخور ظالم حق خوری کند. ملت! شما زحمتکشان انقلاب کرده اید، تا از این ظلمها زورگوئیتها خلاص شوید. رها کننده شما زحمتکشان خودتان هستید. دولت جمهوری اسلامی اگر میخواست برای شما کاری بکند تا بحال کرده بود. مگر ظلمهای حسنعلی خان بر کسی پوشیده است که دولت تا کنون بر علیه وی اقدام نکرده است؟ انقلاب ایران برای پاک کردن املاک از بزرگان مالکان و پاک کردن کارخانه های بزرگ از سرمایه داران بسوده است. عشا پیر زحمتکش با صری! ای کسانی که تحت ستمهای حسنعلی خان و مالکان هستید ما ننند دیگر جاهی ایران و همچنین ولایت فارس باید متحد شد. اتحاد آگاه بودن از توطئه ها، شناختن دوستان و دشمنان کلیسای موفقیت است. باید در مقابل توطئه های سرکوب مالک پاسدار، کمیته آگاه و هوشیار و متحد ایستاد تا حق خود را از کسانی که ما لها ظلم کرده اند گرفت. بین کسانی که زحمت میکشند تا با شرامت زندگی کنند دنیا بدتر فرقه باشد. مطمئنا مالکانی امثال حسنعلی خان دسیسه ها برای ترقه بین زحمتکشان برپا میکنند تا بدگول این مالکان را خورد. تمام مدارائی و املاک و ثروت مالکان ما ننند حسنعلی خان از خون هزاران عشا پیر زحمتکش میباید شد.

نا بود با دحسنعلی خان ضرغامی
نا بود با دمالکان
زنده باد اتحاد زحمتکشان عشا پیر و دهقانان
برقرار برسد جمهوری دمکراتیک خلق
"پاران دهقانان انقلابی فارس"
۵۸ آذر ۲۱

در تکبیر و پیش ما را یاری دهید
حقیقت
ارکان اتحادیه کمونیستهای ایران را بخوانید و آنرا در میان مردم پیش کنید!

نما بیندگان...

است. در این طرح خلق کرد از هیچ حی و اختیار واقعی برخوردار نشده و از حرفائی های جناب فروهر که بگذریم همین دو "حق" را آنها داده اند و مس. مثلا در این طرح خلق کرد این حسی را دارد که برجستگی احرای بر ما - های عسمرائی و چگونگی استفاده از بودجه ای که دولت تعیین کرده نظارت کند. حال آنکه ستمی که بر خلق کرد روا شده از جمله یکی هم در تعیین میزان بودجه و طرح های عمرانی بوده و خلق کرد میخواست در تعیین این طرح ها و بودجه ها و چگونگی تقسیم بودجه دولت در میان ایالات مختلف نقش تصمیم گیرنده را داشته باشد.

از آزادی سیاسی در این طرح "خودگردانی" خبری نیست و ایس آزادی به حدود قانون اساسی حواله داده شده و در آن چهار رچوب تعریف شده است. یعنی خلق کرد از اساس در چهار رچوب این قانون از همه مزایای ترور و حفا و استفاده اندازده با بر خلقها بهره مند شود و در پیاده شدن این استنداد "خودگردان" باشد. از حقوق ثورا های دهقانی و ثورا های شهری، از حق دهقانان در مساداره و تقسیم راضی نشود ال ها در این طرح "خودگردانی" حسی نیست. زائد ار - مری و شهرسانی تحت فرماندهی دولت مرکزی حار خود خواهد آمد و اندوا رتس نیز دست نخواهد خورد.

هیئت دولت با این طرح "خودگردانی" اش میخواهد همگان ستمهای گذشته را زیر پا جدیدی به خلق کرد تحمیل کند و همه آنچه را که

خلق کرده ضرب مقامت قهرمانان به مسلحانه اش دست آورده، بر سر مسز مذاکره را آنها پس بگیرد. اس طرح نه تنها مورد قبول خلق کرد نیست، بلکه هیچ یک از خلقهای ایران سبزه انرانی پذیرد و آنرا معوان سندور شکستگی و حیل - کری هیئت حاکمه با ره باره کرده بدور خواهد درخت.

ماضی پشیمانی مستند از هیئت نمایندگی خلق کرد، بر سر شیخ عزالدین حسینی، نفرت آنزجار خود را از کاشکی ها و حیلگری های هیئت حاکمه اعلام کرده و به خلق کرد اطمینان میدهم که انقلابیون و آزادیخواهان سرتا سربران ما خلق کرد در مخالفت با این پیشسها دات و کارشکنی ها هم بیسان بوده و دوشادوش آنها مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه خواهند داد.

مبارزه ضد امپریالیستی کتونی و مفاع خلقهای ایسبران در این مبارزه حکم میکند که اتحاد ضد امپریالیستی و مبارزاتی همه خلقها و مردم ایران تا مین شود. خلق کرد برای این اتحاد ضد امپریالیستی آغوش خود را باز کرده و اعلام آمادگی نموده است و برای تا مین همی - اتحاد دنیا اعلام تنش بین و آمادگی برای صلح کرده است. اما نمایندگان دولت مرکزی چگونه؟ آیا آنها نیز از این حسن نیت برخوردارند.

آیا آنها نیز حار فرند در راه تل مین اتحاد ضد امپریالیستی و مبارزاتی مردم گام بردارند؟ کارشکنی های نمایندگان دولت مرکزی در مذاکرات صلح کردستان به اس سوال ها پاسخ منفی میدهد.

پیام به...

به آنها آموخته است. آنها برای رسیدن به اهداف پلید خود با پیدای صدها جوان عشا پیری رو برو شوند که در سرزمینی انقلابی با آمده اند. خلق ما متحد و یکپارچه و در پیشا پیش آنها جوانان فداکار عشا پیری جواب این خائنین را خواهد داد.

باشد که اتحاد زحمتکشان عشا پیر و زحمتکشان میهنمان بساط تنگین خوانین را و همچنین سرمایه داران ظالم را برای همیشه برچینند. ننگ و نفرت بر خوانین و کلانتران توطئه گر

عشا پیر
پیروز بسا دمبارزات حق طلبانه زحمتکشان
عشا پیر
مستحکم باد اتحاد زحمتکشان عشا پیر و روستاهای جنوب با زحمتکشان سراسر میهمان جوانان عشا پیر و روستاهای جنوب
۱۹ آذر ۵۸



منت ...

مستقیم و تمام کمال امپریالیسم آمریکا بوده و امپریالیسم آمریکا سرکلیه بشون اقتصادی، سیاسی، فسر-هنگی، نظامی و... آن حاکمیت و از ایران بعنوان یکی از پانزده گانه های مهم جاسوسی در سرتاسر جهان و بیویژه منطقه خاورمیانه و خلیج فارس استفاده میکرده است، این امپریالیسم را برای یک شبکه گسترده جاسوسی می نماید. امپریالیسم آمریکا علاوه بر استفاده از سازمان جاسوسی و پیگیر بومی ساخته و پرداخته خود (ساواک)، از یک شبکه مستقل "سیا" نیز برخوردار بوده و کماکان نیز هست. جاسوسان "سیا" بطور مستقیم با این سازمان در ارتباط هستند و از آن مواجب و امتیازات دریاقت میکنند. جزء مهمی از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بخشی از خواسته های بحق مردم و انقلاب ما، کشف این جاسوسان، دستگیری و مجازات آنان می باشد. جاسوسان "سیا"، دست در دست عمل ساواک و سایر مخدعین گزاران امپریالیسم، ستون پنجم امپریالیسم آمریکا هستند و به نفع سلطه مجدد امپریالیسم آمریکا خرابکاری میکنند.

باز شدن منت جاسوسان کثیفی چون عباس امیرانتظام و افاض شدن عنصر سازش جوئی چون مقدم مراغه ای نشان میدهد که جاسوسان و طرفداران آمریکا در مقام های بالا و بسیار حساس کشوری و دولتی نفوذ و حضور داشته، سودا امپریالیسم آمریکا جاسوسی و خرابکاری میکنند. در یکی از همین سندهای افشاگرانه میخوانیم که امیرانتظام به رابط آمریکائی - اش میگوید که در "استکھلم بهتر می تواند دستخس بگیرد و اطلاعات را رد کند". همین نکته نشان میدهد که عباس امیرانتظام تنها نبوده و نیست و دارای همکارانی در همان سطوح می باشد و در وقت امیرانتظام به استکھلم راه را برای تماس گیری بهتر با این شبکه با اربابان نشان در سازمان "سیا" باز میکند.

عباس امیرانتظام از بسود و تشکیل دولت موقت بازرگان در مقام معاون نخست وزیر و سرخنگوی دولت فعالیت میکرد. یعنی دست کم تا زمان انتقالش به استکھلم، سازمان "سیا" با بدبختی صلاحیت دولت انتخاب خود و اگر دولت مرکزی ناجیزی مخالف بود، تحقق خواهد پذیرفت. دولت مرکزی با اس طرح فقط خود را مسخره کرده است و نشان داده که چقدر ارمال به پرت بقیه در صفحه ۸!

از کلیه جزئیات جملات و بیرونی های دولت، ارتش و همه ارکان حیاتی کشور ما مطلع بوده، از طریق عباس امیرانتظام نقشه های شوم خود را پیاده میکرده است. عباس امیرانتظام نقش مهمی در توطئه چینی علیه نیروهای انقلابی و پرونده سازی برای آنها به عهده داشت و در موارد متعددی کوشید تا درگیری های خونین و تجمیلی را به بار بیاورد. او بر مبنای شواهد و مدارک انگارنا پذیری یک سرما پیسده را وابسته بود و این خود بهترین بیگانه برای خدمت به امپریالیسم و جاسوسی

دست ...

مسعود رجوی شدیداً شکنجه کرده و شکنجه و گردنش را با سیگار روزانه انداخته. حملات کنونی گرچه به همان حملات گذشته مربوط اند، اما ویژه گیهای جدیدی نیز دارند. مبارزه ضد امپریالیستی کنونی، برخلاف تصور خیلی ها، موجبات رشد و گسترش و پایداری نیروهای مترقی و مبارز شده و در جریان این مبارزه توده های زیادی به این نیروها رآورد شده اند. انحصار طلبان مشروعه چی از این روند به خشم آمده، میگویند به ضرب دستجات چماق بدست و چاقوکش و افراد مسلح آنرا سد نما بند. این حملات نه ناشی از قدرت، بلکه ناشی از ضعف اند.

همین دستجات چماق بدست و چاقوکش، با رها در برابر نظرات و راهبیمائی های ضد امپریالیستی نیروهای چپ قد علم کرده، مانع از رسیدن این راهبیمائی ها به مقابل جاسوسخانه شده اند. چماق بدستان آقای حجت الاسلام غفاری از چه می ترسند؟ سردمداران حزب جمهوری اسلامی از چه هراس دارند؟ آیا گمان کرده اند که با این اعمال میتوانند جلوی وحدت ضد امپریالیستی همه مردم ایران و جلوگیری از افساد شدن ماهیت واقعی خودشان را بگیرند؟

دامنه مبارزه هر چه گسترده تر و عمیق تر شود، میدان برای کاروان سنگ ترخواهد شد و با ضرب چماق و حملات مسلحانه نمیتوان این میدان را گنجانده تر کرد.

ماضن محکوم کردن این حملات ارتجاعی و ضد انقلابی، با سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام همبستگی کرده و توجه همه نیروهای انقلابی را به این توطئه ها و عواقب آنها جلب می نماید و بر این عقیده است که تنها وحدت نیروهای حقیقتاً ضد امپریالیست و مبارزان در هم شکستن این توطئه ها و پیروزی در مبارزه است.

برای آنهاست. نیروهای انقلابی از مدت ها پیش در مورد عنا صری چون امیرانتظام و امثال او هشدار داده بودند و با افشاء این قبیل عنا صر میگویند تا توطئه های امپریالیسم آمریکا را عقیم گذارند، لکن جاسوسان دولت بازرگان به این افشاگری ها چیزی جز تهمت افترا و برجسب همیشه آماده "ضد انقلابی" نبود.

چرا عنا صری چون امیرانتظام نمیتوانند در دولت نفوذ کرده و حتی سخنگوی آن شوند؟ این چه جور "دولت انقلابی" است که سخنگویش یک جاسوس "سیا" بوده است؟ این چه جور "دولت انقلابی" است که وزیر کشاورزی اش یکی از فئودال های فارس و وزیر بازرگانی اش در خدمت سرما به داران آمریکائی و اسرائیلی است؟ از این قبیل سئوالات نمی توان مسأله گئی گذشت.

پاسخ به این سئوالات را با بددرازش میان دولت بازرگان با امپریالیسم و بقایای از رژیم گذشته جستجو کرد و بر طبق همین سازش است که عنا صری چون امیرانتظام امکان جولان می یابند. در چنین دولتی است که راه برای جاسوسان "سیا" باز میشود. دولت بازرگان با پدحما پس بدهد.

پیروزی مبارزه ضد امپریالیستی کنونی و خواسته های ضد امپریالیستی انقلاب ما حکم میکند که مشت تمام جاسوسان و وابستگان کثیف آمریکا و "سیا" در برابر ملت ساز شود و این خود فروختگان همراه با تمام مظالم خود و سلطه امپریالیسم آمریکا ریشه کن شوند. لیست جاسوسان "سیا" باید هر چه زودتر منتشر و این جاسوسان به مجازات برسند. هرگونه مسامحه کاری در این امر مضرات جبران ناپذیری به بار خواهد آورد.

جاودان ...

مشاهدات تهرمانانه ستوان انقلابی پیروز سپهر روزنیا را به خطی دلاور کرده و همه آزادخواهان ایران و سوبزه به خا نوا ده او تسلیم گفته. بار دیگر در مبارزه جهت بدست آوردن حقوق با بمال شده خلق کرد و آزادی و استقلال ایران با آنها تجدید عهد میکنند. نظمش هستم که قاتلس شهید پیروز - نیما نخواهد توانست سی محازات ار عدالت انقلابی خلق بگریزد. جاودان با دخال طره ستوان شهید پیروز سپهر روزنیا پیروز با دمبارزه دلاوران خلیق کرد

مشت جاسوسان سیارا باز کنید

"دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در یک محافله افشاگرانه با ارائه اسناد متعدد و غیر قابل انکار نشان دادند که عباس امیر - معاون نخست وزیر دولت وقت بازرگان و سخنگوی این دولت و یکی از بانفوذترین مهره های این دولت، جاسوس سازمان سیا و خدمت گزار امپریالیسم آمریکا است. این اسناد نشان میدهد که انتظام "رابط" میان دولت و "سیا" و جاسوس سیا بوده و در تمام این دوران اطلاعات لازم را به آمریکا تحویل

میداده و از جمله کارگزاران سیاست امپریالیسم آمریکا در ایران میباشد. افشاکاری قابل تقدیر - دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" برده از چهره کشف یک خائن و نوکر امپریالیسم آمریکا برداشت و مشت یکسی از جاسوسان "سیا" را باز کرد. شک نیست که در کشوری چون ایران که بیش از ۲۵ سال زیر سلطه

بقیه در صفحه ۱۹

جاودان باد خاطره ستوان شهید بهروز بهروزنیا

ستوان بهروز بهروزنیا، به مفاصده در گردستان را میزند. آنها در سال یک دادگاه فرمایشی که هیچ زمانی بهروزنیا را محاکمه و اعدام چیز کم از پیدا نگاه های نظامی محمد کردند که قول داده بودند همه اسرار را فاش نمایی نداشت، به اعدام محکوم و در آزا کردند. آیا اینست "حسن نیت" یا مقاسل جوجه تیرسان قرار گرفت و اینست ملح و آتش نس؟ ننگ و مرگ با رشادت و قهرمانی کم نظیری شهادت سرشما که از پشت به خلق خنجر میزنید را بر ننگ خیانت به خلق و آلمان های اینان پر زمانی بهروزنیا را نسا - به حق خلق کردید بفرست و در کناره ها جوان مردان را اعدام کردند که به خانوا شهید دلاور گردان و دان شد. دهاتی رسا نه های گروهی رژیم هیات حاکمه اینطور "حسن نیت" اش را حاکم خردستگیری بهروزنیا را منتشر نشان میدهد. بقیه در صفحه ۱۹

دست عمال امپریالیسم از مجاهدین خلق کوتاه!

در گرما گرم مبارزه ضد - آن سخت بیزار ریبوده و با همه تیر و در امپریالیستی مردم ایران، همسایان جریانی نازی که از این مبارزه و اهدا ف را طرح و با اجرا گذاشتند. حمل - مسلحانه به دفتر امداد سازمان مجا - هدین خلق ایران و ساختمان ایمن سازمان در یوسف آباد، بخشی از این توطئه ضد انقلابی می باشد. حمله به دفتر امداد مجا هدین به بهانه تشقیب یک دزد" و حمله به ساختمان ایمن سازمان در یوسف آباد به بهانه "کشف اعلامیه ها و نشریات کمونیستی" صورت گرفت. این حملات بدنبال یک رشته تبلیغات و تحریکات مسموم ضد انقلابی بر علیه این سازمان و مشتت - رشدن دهها اعلامیه و جزوه بی امضاء بر علیه مجا هدین و ضرب و جرح هواداران این سازمان در مقابل جا سوسان آمریکا صورت رفته و بخشی از یک برنسا مه کا ملا حساب شده و نقشه مند میباشد.

البته انحصار طلبان و مشروعه چیان در قدرت هیچگاه با سازمان مجا هدین خلق توانستی نداشته اند و در گذشته نیز مجا هدین خلق چون سایر نیروهای مترقی و مبارز، از حملات گستاخانه و ضد انقلابی اینان بی بهره نمانده اند و هم اکنون تعدادی از اعضاء این سازمان در زندان و شکنجه گاه ها بسر برده و شدیداً زیر فشار می باشند. اخبار رسیده حاکی از آنست که یکی از اعضاء سازمان مجا هدین را برای باقتن "مخفیگاه" بقیه در صفحه ۱۹

نمایندگان دولت در مذاکرات کردستان کارشکنی میکنند

دومین دور مذاکرات در کردستان با زبیهین پست رسید. اینبار نمایندگان دولت مرکزی حضور ندارند. نمایندگان "سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان" و "سازمان چریک های فدائی خلق" در هیئت نمایندگی خلق کردند. صاغیان در یک محافله مطبوعاتی اعلام کرد که ما نمایندگان این دوسال زمان تحت هیچ شرایطی مذاکره نخواهیم کرد زیرا ایندوسال - مان "اناس جمهوری اسلامی" را قبول ندارند و "از زاویه افشاکاری" در مذاکرات شرکت میجویند. ما نمایندگان دولت مرکزی میخواهند ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد را هم خودشان تعیین کنند. در هیچ کجای دنیا دیده نشده که یک طرف مذاکره، ترکیب طرف دیگر مذاکره را تعیین کند. اینک چه کسانی وجه تیر و هائی در هیئت نما -

کردند، اینچنین سوشند که او می - خواسته هلی کوپتری را به عراق ببرد و به همین دلیل فرما شده اش را که مخا - لف اینکار ریبوده کشته است. اینطور وانمود کردند که او جاسوس عراق بوده است. اینها همه دروغ و کذب محض است. حقیقت اینست که ستوان شهید حاضر نبود تا از او بعنوان ابزاری جهت کشتار خلق کرد و در زندگان انقلابی این خلق استفاده شود و در نتیجه در مقابل دستور فرمائش که به او فرمان آتش کشودن بر مواضع انقلابی بیون کرد داده بودند مقاومت می - ورزد و بالاخره نیز این فرمائش - محاسبتکار را به مزای اعمالش میرسانند. ستوان شهید بهروز بهروزنیا - پرورده مکتب انقلاب و میراث دار آموزش های خسرو روزه بود. او "اطلا - عم کور کورانه" را نمی پذیرفت و حاضر نبود به بزاری جهت کشتار خلق تبدیل شود. "جرم" او اینست. او متهم است که دستش را به خون خلق داد خواه و ما را در کردستان لوده. او متهم به سر - پیچی از دستورات فرماندهان نوکر آمریکا و ارتجاعی است و در دستگاه کنونی ارتش، این اتهامی بسس سرگ است. هیات حاکمه زمانی دستش را به خون بهروزنیا آغشته کرد، که به هیئت "حسن نیت" اش دم از صلح و تسرک

بقیه در صفحه ۱۹